

Russia

راهنمای فارسی سفر به روسیه



راهنمای فارسی سفر به روسیه



ارمغان آفاق ایرانیان

فهرست مطالب

پیشنهاد می‌کنیم صفحات کتاب را به ترتیب مطالعه کنید. اما اگر به دنبال موضوع خاصی هستید، می‌توانید با کلیک بر روی هر یک از گزینه های زیر وارد صفحه مربوط به آن شوید. در بخش انتهایی همه صفحات بخش بازگشت به فهرست مطالب وجود دارد، که با کلیک بر روی آن به این صفحه باز خواهید گشت.

۱ - اطلاعات عمومی روسیه	۲ - شهر مسکو	۴ - شهر نیژنی نووگورود	۶ - بخش های دیگر
نگاهی به روسیه	نگاهی به مسکو	نگاهی به نیژنی نووگورود	تماس با ما
تاریخچه	تاریخچه	تاریخچه	
آب و هوا	حمل و نقل	حمل و نقل	
جغرافیا	آب و هوا	آب و هوا	
پول و اقتصاد	مراکز خرید	مراکز خرید	
فرهنگ مردم	پیشنهاد سفر	جاذبه های تفریحی و گردشگری	
زبان	جشنواره ها و رویدادها	غذا	
جمعیت	جاذبه های تفریحی و گردشگری		
مذهب	غذا		
جشن ها و تعطیلات رسمی			
روش های مختلف مسافرت	۳ - شهر سن پترزبورگ	۵ - شهر سوچی	
جاذبه های گردشگری	نگاهی به سن پترزبورگ	نگاهی به سوچی	
خرید کردن	تاریخچه	تاریخچه	
نکات ایمنی مهم به هنگام مسافرت	حمل و نقل	حمل و نقل	
اقامتگاه های گردشگران	آب و هوا	آب و هوا	
غذا و آشپزی	مراکز خرید	مراکز خرید	
	جشنواره ها و رویدادها	جشنواره ها و رویدادها	
	جاذبه های تفریحی و گردشگری	جاذبه های تفریحی و گردشگری	
	غذا	غذا	

روسیه

پهناترین کشور دنیا



نگاهی به روسیه

روسیه با نام رسمی فدراسیون روسیه پهناترین کشور جهان است که در شمال اوراسیا قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی؛ و نیز با دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد.

روسیه با ۱۷,۰۷۵,۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناترین کشور جهان است. پهناوری روسیه دو برابر مساحت کانادا یا چین یا ایالات متحده آمریکا است. این کشور در عرضهای بالای جغرافیایی واقع شده است و بیشتر مناطق کشور سردسیر و کم بارش است. به همین دلیل بیشتر مناطق این کشور (به ویژه سرزمین بزرگ سیبری) خالی از سکنه هستند و کشاورزی در این مناطق میسر نیست. پایتخت روسیه شهر مسکو است که در باختر و بخش اروپایی کشور است و بزرگترین شهر اروپا است.

روسیه با حدود ۱۴۳ میلیون نفر (در سال ۲۰۱۳) جمعیت نهمین کشور پرجمعیت دنیاست. تراکم جمعیت روسیه ۸.۴ نفر در هر کیلومتر مربع است که از پایینترین نرخهای تراکم جمعیت در جهان است. همچنین نرخ رشد جمعیت در این کشور منفی است. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور (بخش اروپایی) زندگی می کنند. براساس سرشماری سال ۲۰۱۰ حدود ۸۱ درصد از مردم این کشور از قومیت روس هستند. در مجموع ۱۶۰ گروه قومی در این کشور زندگی می کنند. تاتارها ۳.۹ درصد جمعیت روسیه را تشکیل می دهند و بزرگترین اقلیت قومی این کشور محسوب می شوند. اقوام اوکراینی، چوواش، باشقیر، چچنی، و ارمنی نیز هریک بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند و آوارهای قفقازی، بلاروسی ها، آسی ها، آذربایجانی ها و قزاق ها از دیگر اقوام پرجمعیت روسیه هستند.

زبان رسمی روسیه، زبان روسی است. ولی ۲۷ زبان رسمی دیگر نیز در جمهوری ها و مناطق خودگردان این کشور وجود دارد. روسیه کشوری فدرال با تقسیمات کشوری پیچیده ایست و شامل ۸۳ واحد فدرال از جمله ۲۱ جمهوری خودگردان می شود. روسیه فرهنگ پرباری دارد و نویسندگان معروفی مانند تولستوی و داستایوفسکی روسی بوده اند.

روسیه تا پیش از قرن هجدهم یک حکومت نه چندان نیرومند در خاور اروپا بود و وسعت آن چندان زیاد نبود. تا اینکه در آغاز قرن ۱۸ میلادی و با اصلاحاتی که تزار پتر بزرگ انجام داد، این کشور به یک امپراتوری پهناور و نیرومند تبدیل شد. در سال ۱۹۱۷ انقلاب کمونیستی در این کشور به وقوع پیوست و نام کشور به «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» تغییر یافت. روسیه، با عنوان جمهوری فدراتیو روسیه شوروی، مهمترین و بزرگترین جمهوری در اتحاد جماهیر شوروی بود. در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) شوروی پس از جنگ سرد طولانی با غرب فروپاشید و فدراسیون روسیه به جای آن نشست.

واحد پول روسیه روبل است. روسیه با تولید ناخالص داخلی ۲۱۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ هشتمین اقتصاد بزرگ جهان (ششمین بر مبنای قدرت برابری خرید) بوده است. روسیه پس از فروپاشی شوروی به اقتصاد بازار روی آورده است و به منابع طبیعی عظیم خود متکی است. درآمد سرانه این کشور در سال ۲۰۱۳ بیش از ۱۸ هزار دلار (بر مبنای قدرت برابری خرید) که این کشور را در رتبه پنجاه و هفتم دنیا قرار می دهد. این کشور یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، عضو گروه هشت، شورای اروپا، سازمان تجارت جهانی، سازمان همکاری شانگهای و کشورهای مستقل همسود است.

اکنون ولادیمیر پوتین رئیس جمهور و دمیتری مدودف نخست وزیر روسیه است. سیاست کنونی روسیه، همکاری و عدم تنش با غرب و تلاش برای اتحاد کشور است. ولی به خاطر گسترش ناتو به شرق و پس از درگیری با گرجستان بر سر اوستیای جنوبی و الحاق کریمه به خاک خود، روابط روسیه و غرب به تیرگی گراییده است.

تاریخچه

داستان روسیه پر است از رویدادهای باورنکردنی هیجان انگیز و شخصیت های عجیب و غریبی مثل راسپوتین، بوریس یلتسین و ولادیمیر پوتین. سرزمین روسیه از میلیون ها سال پیش سکونتگاه انسان ها بوده است و یادگارهایی هم از جوامع شکارگر عصر حجر در مناطق مختلف روسیه، از مسکو تا دریایچه ی بایکال باقی مانده اند. با این همه، این اسلاوها بودند که با مهاجرت به این سرزمین جان تازه ای به آن دادند و پایه گذار روسیه ی امروز شدند. تاریخ دان ها درباره ی منشاء-

اسلاوها اختلاف دارند. هر چه که بود، اسلاوها در نخستین قرن‌های بعد از میلاد در سرزمین وسیع روسیه پخش شدند و ریشه دواندند. هم‌زمان با مسیحی شدن اسلاوها در قرن‌های نهم و دهم میلادی، الفبای سیریلیک هم جای خودش را میان آن‌ها باز کرد؛ الفبایی که روس‌های امروزی هم از نسخه‌ی ساده‌شده‌ی آن استفاده می‌کنند.

در قرن دهم، کی‌یف، پایتختِ اوکراینِ امروز، کانونِ قدرتِ سیاسیِ اسلاوها شد و آن‌ها را علیه وایکینگ‌ها متحد کرد. اواخر همین قرن هم بود که اسقف‌نشین قسطنطنیه پذیرفت کلیسایی در کی‌یف بسازد و به این ترتیب کلیسای ارتدوکسِ روسیه متولد شد.

هرچند روسیه هم از حمله‌ی مغول‌ها در امان نماند و قدرت به دست باتو خان، نوه‌ی چنگیز، و فرزندانِش افتاد، اما رسم مغول‌ها این بود که برای اداره‌ی مناطق زیرفرمانشان از محلی‌ها کمک بگیرند و به همین خاطر شاهزاده‌های محلیِ روس در عصر مغول‌ها هم قدرت داشتند. یکی از این شاهزاده‌ها الکساندر نؤسکی بود؛ قهرمانی ملی که در سال ۱۲۴۰ میلادی مهاجمان ژمن و سوئدی‌ها را شکست داد و بعدها کلیسا او را قدیس نامید. بعد از این پیروزی، نوسکی نقش رابطِ مغول‌ها و دیگر شاهزاده‌های روس را بازی کرد و با دیپلماسی زیرکانه‌ای کاری کرد که شاهزاده‌های مسکو، که خودش هم از آن‌ها بود، بر بقیه‌ی شاهزاده‌ها برتری پیدا کنند و این‌طور بود که مسکو مرکز قدرتِ سیاسی شد و قیام‌هایی هم در این شهر علیه مغول‌ها اتفاق افتادند. وقتی بالاخره مصیبت مغول‌ها تمام شد، ایوان سوم یا ایوان کبیر، یکی از شاهزاده‌های مسکویی، توانست بیشتر دیگر شهرهای بزرگ روسیه را مطیع مسکو کند و جانشینش، واسیلی سوم، هم این مسیر را ادامه داد. پسر واسیلی، ایوان چهارم یا همان ایوان مخوف، روسیه را به یک امپراتوریِ قدرتمندِ تمام‌عیار تبدیل کرد، اما حکایتِ بدگمانی‌ها و بی‌رحمی‌های عجیبش هنوز هم سر زبان‌هاست.

مساحتِ روسیه در قرن هفدهم بیشتر و بیشتر شد و تزارها حالا حاکم سرزمین‌های وسیعی بودند و پیوند محکمِ آن‌ها با نظام ارباب رعیتی و کلیسای ارتدوکس هم خیالشان را از همیشه راحت‌تر می‌کرد. وقتی در اواخر این قرن، پتر کبیر به تخت نشست، تلاش‌های بی‌امانی را برای مدرن کردن روسیه، توسعه‌ی صنعت و ایجاد ائتلاف‌های اتریش با کشورهای اروپایی آغاز کرد. پتر کبیر سرزمین‌های وسیعی را به روسیه ملحق نکرد، اما میراث او باعث شد که روسیه بتواند رقبی هم‌وزنِ امپراتوری‌های بزرگ غرب باشد. کاترین کبیر، که چند دهه بعد از پتر به تاج و تخت رسید، اصلاحاتی قانونی را در روسیه اجرا کرد که محدودیتِ استفاده از شکنجه و حمایت از رواداری مذهبی مهم‌ترین شاخصه‌هایش بودند. ناپلئون در اوایل قرن نوزدهم به طمع اشغال مسکو به روسیه حمله کرد، اما مقاومت جانانه‌ی روس‌ها و سرمای منطقه کار را برای فرانسوی‌ها سخت کردند و دست آخر ناپلئون شکست خورد.

سال‌های میانی قرن نوزدهم در روسیه به دوره‌ی «اصلاحات بزرگ» معروف هستند؛ دوره‌ای که رعیت‌ها آزاد، کارخانه‌ها صنعتی و ارتش روسیه مدرن شدند. اما روس‌ها می‌خواستند اصلاحات به استبداد تزارها هم پایان دهد و پارلمانی در روسیه شکل بگیرد و رعیت‌ها از وضع اقتصادی سخت کشور ناراضی بودند. این نارضایتی‌ها باعث می‌شد گرایش به انقلابی‌گری و مخصوصاً مارکسیسمِ رادیکال در روسیه تقویت شود و، به همین دلیل، وقتی بالاخره تزار پذیرفت که پارلمان، یا به قول روس‌ها دوما، شکل بگیرد، چپ‌گراها بیشتر کرسی‌های دوما را مال خودشان کردند.

ورود روسیه به جنگ جهانی اول نارضایتی‌ها را بیشتر هم کرد. مردم روسیه می‌گفتند که جنگ اروپا ربطی به آن‌ها ندارد و فقط وضعشان را بدتر می‌کند. تزار نیکلای دوم برای مقابله با اعتراض‌ها دوما را منحل کرد، اما کار از این حرف‌ها گذشته بود و در اکتبر ۱۹۱۷ انقلاب بلشویکی پیروز شد. بعد از چند سال جنگ داخلی، بالاخره در سال ۱۹۲۲ حکومت کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی با ۱۵ جمهوری اعلام موجودیت کرد.

روی کار آمدن استالین بعد از مرگ لنین نقطه‌ی آغاز عصر استبداد استالینی در شوروی بود. استالین که می‌خواست به ضرب و زور هم که شده شوروی را در صنعت و کشاورزی از غرب پیش ببرد، مخالفان را بی‌رحمانه سرکوب می‌کرد. خیلی‌ها را به اردوگاه‌های کار اجباری، گولاگ‌ها، فرستادند و خیلی‌ها را هم محاکمه و اعدام کردند. پس از مرگ استالین، رهبران شوروی در سیاست‌های او تجدید نظر کردند و از بعضی قربانیان این سرکوب‌ها هم اعاده‌ی حیثیت شد، اما خاطره‌ی سال‌های وحشت استالینی هنوز هم در شوروی زنده است. شوروی کمونیستی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم یکی از دو ابرقدرت دنیا بود، اما مشکلاتش هم کم نبودند. وقتی میخائیل گرباچف، رهبر حزب کمونیست شوروی، در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی اجرای سیاست‌های اصلاحی خودش را آغاز کرد، فضای باز سیاسی باعث شد ملی‌گرایان و استقلال‌طلبان جمهوری‌های شوروی فرصتی برای فعالیت پیدا کنند و دست آخر اتحاد جماهیر شوروی به ۱۵ کشور، از جمله فدراسیون روسیه، تجزیه شد.

روسیه در اولین دهه‌ی بعد از فروپاشی شوروی با سختی‌های اقتصادی و سیاسی متعددی روبه‌رو بود و این مشکلات کار را برای بوریس یلتسین، رئیس‌جمهور روسیه، سخت می‌کردند و وقتی در انتخابات سال ۲۰۰۰ میلادی ولادیمیر پوتین، از مدیران سابق سازمان امنیت فدرال روسیه، پیروز شد، کسی چندان تعجب نکرد. پوتین بعد از دو دوره ریاست‌جمهوری در ۲۰۰۸ این مقام را به دمیتری مدودف واگذار کرد، اما در انتخابات سال ۲۰۱۲ باز هم توانست رئیس‌جمهور روسیه شود. با این که سیاست‌های پوتین چندان دموکراتیک نیستند، اما او به دلیل بازگرداندن نظم، ثبات و پیشرفت به روسیه محبوبیت چشم‌گیری میان روس‌ها دارد. امروز، اقتصاد روسیه از نظر سرعت رشد یکی از بالاترین رتبه‌ها را در جهان دارد و از نظر تولید ناخالص داخلی هم در جایگاه هشتم جهان قرار می‌گیرد. روسیه همچنین عضو دائم شورای امنیت و گروه هشت هم هست.

آب و هوا

آب و هوای روسیه به علت وسعت زیاد، در نقاط مختلف متفاوت بوده و در زمستان و تابستان دارای اختلاف دمای بسیار زیادی است. ناحیه ی قطبی شمال، جلگه ی بی درخت و یخ زده است که خاک آن تقریباً همیشه منجمد است. در بخشی از نواحی سیبری، دمای متوسط در زمستان، 46 درجه ی سانتی گراد زیر صفر است. مناطق مرکزی روسیه، دارای ویژگی های آب و هوایی اروپای شرقی و مرکزی است. جنوب این سرزمین قطبی، ناحیه ای پوشیده از درخت های همیشه سبز، زمستان هایی طولانی و سخت و تابستان هایی کوتاه دارد. استپ های مناطق مرتفع مرکز روسیه، زمستان های سرد ولی تابستان های خشک و بسیار گرم دارند. ساحل دریای سیاه آب و هوای مدیترانه ای دارد. در مجموع روسیه از سه نوع آب و هوای سرد و خشک در مناطق شمالی، معتدل و نیمه مرطوب در نواحی جنوب غربی و معتدل و خشک در نواحی جنوب شرقی برخوردار است.

جغرافیا

روسیه با مساحتی بالغ بر 17075400 کیلومتر مربع و با وسعتی نزدیک به 5/11 درصد از خشکی های کره ی زمین، بزرگترین کشور جهان محسوب می شود. این سرزمین بیش از 160 درجه ی طول جغرافیایی و 10 منطقه زمانی را در بر گرفته است و اختلاف ساعت مسکو با شرقی ترین نقطه ی روسیه در شبه جزیره کوچکی و شبه جزیره ساخالین، 9 ساعت است.

این کشور با در نظر گرفتن وسعت آن به دو بخش اروپایی و آسیایی تقسیم شده که سلسله کوه های اورال آن ها را از یکدیگر جدا کرده است. کوه های اورال از شمال تا جنوب 2000 کیلومتر طول دارد. اگر چه 65 درصد خاک این کشور در بخش آسیایی قرار دارد، ولی تنها بیست و هشت درصد مردم روسیه در این نواحی زندگی می کنند.

روسیه از شمال با اقیانوس منجمد شمالی، دریای سفید، خلیج پچوا، دریای کارا، دریای بارتس، دریای لاپتف، دریای سیبری شرقی، دریای چوکچی، فنلاند و نروژ، از غرب با دریای بالتیک و خلیج فنلاند، استونی، لتونی، لهستان، روسیه سفید و اوکراین، مرز مشترک دارد. مرزهای جنوبی روسیه عبارتند از دریای سیاه، گرجستان، آذربایجان، دریای خزر و قزاقستان. به طرف جنوب شرقی، در ماورای کوه های اورال، با سیبری و ایالت های شرقی قزاقستان، جمهوری خلق چین، مغولستان و در منتهی الیه قسمت جنوب شرقی، با کره شمالی و در ساحل شرقی با دریای ژاپن، دریای اخشک و اقیانوس آرام هم مرز است.

در شرق کوه های اورال جلگه ی وسیع سیبری غربی قرار دارد که قسمت اعظم آن را آبگیر رود اوب و شاخه هایش پوشانده است. فلات مرکزی سیبری، بین رودهای ینی سی و لنّا، تا حدود 1700 متر ارتفاع دارد. آن سوی رود لنّا، کوه های شرق سیبری، از جمله کوه های چرسکی و نیز شبه جزیره ی کامچاتکا قرار دارد. قسمت اعظم جنوب سیبری کوهستانی است. کوه های آلتای در جنوب دریاچه بایکال و در امتداد مرز مغولستان جای دارد. بین دریای خزر و دریای سیاه، کوه های مرتفع قفقاز در مرز گرجستان و آذربایجان جای دارد. سرزمین کالینینگراد بین لهستان و لیتوانی در امتداد دریای بالتیک بخش جدا شده ای از روسیه است.

در شمال غربی روسیه در مجاورت فنلاند، تعداد زیادی دریاچه وجود دارد که مهم ترین آن ها دریاچه لادوگا بزرگترین دریاچه ی اروپاست و در مرزهای جنوبی این کشور دریاچه ی خزر که بزرگترین دریاچه ی جهان محسوب می شود، قرار دارد. دریاچه بایکال با 34140 کیلومتر مربع وسعت، بزرگترین دریاچه ی روسیه، عمیق ترین دریاچه ی جهان با 1740 متر عمق و بزرگترین دریاچه ی آب شیرین آسیاست. رودهای عمده ی بخش اروپایی روسیه شامل رود ولگا با 3690 کیلومتر، بلندترین رود اروپاست که به دریای خزر می ریزد. دون، دنیپر، نمان، نوا، لینّا و پچورا نیز در این منطقه جریان دارند. رودخانه های اورال، کوما و ترک نیز به دریای خزر می ریزند. در منطقه آسیایی روسیه رودهای اوب بلندترین رود روسیه و مینی سنی جریان دارند.

بلندترین نقطه ی روسیه قله ی البروس با 5642 متر ارتفاع، در شمال قفقاز و در جمهوری آستای شمالی است که بلندترین نقطه ی اروپا نیز محسوب می شود. بلندترین نقطه ی کوه های اورال، قله ی نارودا با ارتفاع 1885 متر می باشد.

پول و اقتصاد

واحد پول کشور روسیه، روبل است. جز کوچک تر روبل کوچک نامیده می شود و هر روبل برابر صد کوچک است.

روسیه یکی از بزرگترین تولید کنندگان گاز طبیعی، زغال سنگ، سنگ آهن، فولاد، نفت و سیمان است. صنایع تولیدی بیش از یک سوم نیروی کار را در بر دارد و شامل صنایع فولاد، شیمیایی، نساجی و ماشین آلات سنگین است.

تولید کالاهای مصرفی چندان توسعه نیافته است. روسیه به رغم برخورداری از کشاورزی مکانیزه و بزرگترین صنعت کودسازی جهان، از تولید کافی غلات در حد احتیاجش ناتوان است. این امر تا حدودی به دلیل برداشت های ناکافی و امکانات نامطلوب ذخیره سازی و حمل و نقل است. کشت های عمده شامل گندم، جو، جو دوسر، سیب زمینی، چغندر قند و میوه است.

منابع طبیعی شامل بزرگترین ذخایر زغال سنگ جهان، نزدیک به یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان، یک سوم کل درختزارهای جهان، ذخایر بزرگ منگنز، طلا، پتاس، بوکسیت، نیکل، سرب، روی، مس و همچنین نقاط متعدد و مناسب برای تأسیسات تولید نیروی هیدرو الکتریک است. این کشور از لحاظ انرژی خود کفاست.

تعداد نیروی کار در این کشور 74.26 میلیون نفر است و نرخ بیکاری 6.6 درصد. 17.8 درصد از مردم این کشور زیر خط فقر زندگی می کنند. نرخ تورم در روسیه در سال 2006 میلادی 9.7 درصد بود.

بیشترین صادرات روسیه را نفت و محصولات آن، گاز، چوب، مواد شیمیایی و تسلیحات نظامی تشکیل می دهد که بیشتر به کشورهای هلند (12.3 درصد)، ایتالیا (8.6 درصد)، آلمان (8.4 درصد)، چین (5.4 درصد)، اوکراین (5.1 درصد)، ترکیه (4.9 درصد) و کشور سوئیس (4.1 درصد) صادر می شود.

در سال 2006 روسیه ابزار آلات و تجهیزات، کالاهای مصرفی، دارو، گوشت و شکر را از کشورهای آلمان (13.9 درصد)، چین (9.7 درصد)، اوکراین (7 درصد)، ژاپن (5.9 درصد)، کره جنوبی (5.1 درصد)، آمریکا (4.8 درصد)، فرانسه (4.4 درصد) و ایتالیا (4.3 درصد) وارد کرد.

فرهنگ مردم

نشان کشور روسیه عقاب دو سری است که بال های خود را به دو طرف باز کرده است. این نشان از قرن پانزدهم تا انقلاب شوروی به مدت چهار صد سال نشان پادشاهی روسیه بود. پس از فروپاشی، در سال ۱۹۹۳ بوریس یلتسین مجدداً به آن رسمیت بخشید. گفته می شود که دو سر عقاب نشان دهنده این است که روسیه از دو قسمت اروپایی و آسیایی تشکیل شده است و هر دو بخش اهمیت یکسانی برای این کشور دارند. این نشان در زمان به قدرت رسیدن خانواده رومانفغییرات مختصری کرد و سه تاج به آن اضافه شد که نشان دهنده اتحاد سه ملت روس، اکرلین و بلاروس است.

سطح زندگی مردم روسیه، به میزان زیادی به سطح درآمد آن ها وابسته است. برای فقرای روسی، زندگی یکنواخت است و افراد زیادی ساعات هر روزه ی خود را به فروش متعلقات و دیگر کالاهایشان در خیابان، می گذرانند. سبک زندگی ثروتمندان روسیه تا حد زیادی متناسب با زندگی غربی شده است. نگاه کردن تلویزیون و نوار ویدئویی شکل عوامانه ای از سرگرمی است. تلویزیون روسیه هم اکنون شامل برنامه هایی به سبک اروپایی است، برنامه هایی چون شوها و نمایش های تلویزیونی کم ارزش. مطالعه به گونه ای وسیع، عامه پسندان است، همان گونه که در طول دوره ی اتحاد جماهیر شوروی بود، اما می توان گفت مطالعه ادبیات به طور قابل ملاحظه ای تغییر کرده است. کلاسیک های روسی فرصت خود را با وجود رمان ها، افسانه ها، داستان های علمی تخیلی و رمان های عاشقانه، از دست داده اند.

ورزش های اروپایی که در طی دوره ی اتحاد جماهیر شوروی رسماً سست و بی ارزش بود (ورزش هایی همچون تیسس)، به طور قابل توجهی در میان طبقات مرفه تر رواج دارد. بازی ها و ورزش های سنتی همچون شطرنج و فوتبال هنوز هم در میان توده ی مردم وجود دارند.

بخش زیادی از مردمان روسیه آخر هفته ی خود را در خانه های تابستانیشان که در حاشیه ی شهر است، سپری می کنند. حد متوسط این خانه ها، تنها کلبه ای ساده است و روی قطعه ی بسیار کوچکی از زمین بنا شده است. برخی از خانه -

مذهب

اکثریت مردم فدراسیون روسیه پیرو دین مسیحیت هستند، اما ادیان اسلام، یهودی و بودایی نیز دارای طرفداران زیادی هستند که در این میان اسلام دومین دین در روسیه شناخته شده است. جادوگری و طالع بینی به خصوص در میان قشر جوان امری عمومی است. روس ها همچنین تمایلی به سمت چندین اعتقاد، فرقه و طبقه بندی های جدید مذهبی داشته اند.

رشد ادیان خارجی در میان توده ی مردم نگرانی را در میان قانونگذاران روسی ایجاد کرد و در سال 1997 دولت تجدید نظری را در مورد قانون آزادی مذهبی سال 1990 اعمال کرد تا بتواند مذهب را در میان افرادی که جزو توسعه ی تاریخی روسیه بودند و آن ها که نبودند، دسته بندی کند. در سال 1997 قانون بحث انگیزی در مورد ادیان در مجلس روسیه به تصویب رسید که براساس آن تنها ادیانی در روسیه اجازه فعالیت دارند که حداقل پانزده سال در فدراسیون روسیه، پایه گذاری شده باشند. کلیسای ارتدوکس روسیه، اسلام، بودایی و یهودی و بعضی شاخه های مذهب مسیحی، با این قانون مطابقت داشتند. در سال 1998 اعلام شد، کارگران بیگانه ای که دارای مذهب غیرقانونی هستند، فقط می توانند حداکثر به مدت سه ماه در روسیه اقامت نمایند.

جشن ها و تعطیلات رسمی

7 ژانویه، کریسمس ارتدوکس های روسی

14 ژانویه، سال نو ارتدوکس

16 ژانویه، فستیوال زمستانی روسیه

25 ژانویه، روز سن تاتینا

8 مارس، روز جهانی زن

1 می، روز کارگر

9 می، روز پیروزی

16 می، تعطیلی تبه ی سرخ

21 ژوئن، شروع فستیوال شب های سفید

22 آگوست، روز پرچم ملی

19 سپتامبر، روز مسکو

های گران بها و جدید، چند اتاقه بوده و با استخر و دیگر ریزه کاری های گران قیمت استقرار یافته اند. اغلب صاحبان این خانه ها در کلبه ی تابستانی خود باغچه ی خانگی دارند، این باغچه فضایی است که در آن سبزیجات و میوه ها پرورش می یابند.

در بیشتر خانواده های روسی زن و مرد هر دو کار می کنند. بیش از 90٪ زنان روس بیرون از خانه کار می کنند و بیش از 75٪ پزشکان، زن هستند. در بازار، همه ی فروشندگان زن هستند. زنان تقریباً همه کار انجام می دهند، کارهایی نامتعارف و سخت که برای هیچ زن ایرانی قابل تصور نیست، مانند جارو زدن پیاده روها، کارهای ساختمانی و آسفالت کردن خیابان ها.

کهریا یکی از زیورآلات مورد علاقه زنان روس است. کهریا یک رزین (صمغ) فسیل شده است. با گذشت میلیون ها سال، صمغ درختان کاج تنومند تبدیل به فسیل شدند و آن چه را ما امروزه کهریا می نامیم را به وجود آوردند. درون کهریا می توان انواع مختلفی از موجودات زنده همچون گیاهان و حشرات را دید. از این رو از نظر علمی نیز ارزش دارد، زیرا می توان بر روی موجودات میلیون ها سال پیش مطالعه کرد. مشهورترین محل برای یافتن کهریا سواحل بالتیک است. پس از طوفان وقت مناسبی برای یافتن کهریاست.

در روسیه همه شهرهای کوچک و بزرگ برای خودشان جشن تولد دارند. مردم هر شهر، یک روز را در سال به عنوان روز شهر جشن می گیرند. در این روز چهره شهر عوض می شود. از مراسم روز شهر می توان به اجرای برنامه توسط گروه های موزیک و رقص سنتی و مدرن، کنسرت های خیابانی، مسابقات ورزشی همگانی، نمایشگاه های هنری، بازارهای مکاره و مسابقه نقاشی کودکان بر روی آسفالت اشاره کرد.

مردم روسیه مانند بسیاری از کشورهای جهان و شاید بیشتر از آن ها، علاقه به داشتن حیوانات خانگی دارند. این علاقه تا حدی است که حتی در معرفی اعضا خانواده، اول نام آن ها را می گویند. در هر سوپرمارکت حتما یک غرفه برای غذای حیوانات وجود دارد. دختران جوان معمولاً سگ های قوی و درشت هیکل را انتخاب می کنند تا از آن ها محافظت کنند، ولی مادر بزرگ ها به همان سگ های کوچولو رضایت می دهند، چون کنترلشان راحت تر است.

زبان

زبان روسی، زبان رسمی این کشور است که به صورت متداول در تجارت، حکومت و تحصیلات مورد استفاده قرار می گیرد و با خط سیریلی نوشته می شود. به بیش از 100 زبان در روسیه صحبت می شود. زبان منطقه ای رسمی برخی از جمهوری های قومی شناسایی شده است، اما میلیون ها غیرروسی، زبان روسی را به عنوان زبان مادریشان اتخاذ کرده اند.

زبان روسی یک زبان اسلاو است و با زبان هایی همچون لهستانی، چک، اسلواک و بلغاری از یک ریشه می باشد. الفبای روسی شباهت های بسیاری با الفبای یونانی دارد، زیرا تدوین کنندگان این الفبا مبلغین مذهبی کلیسای ارتدوکس یونانی بودند. این الفبا به افتخار سیریل قدیس که از مبلغین مذهبی بوده و ابداع الفبای روسی را به او نسبت داده اند، الفبای سیریلی نامگذاری شده است.

جمعیت

جمعیت روسیه تقریباً 140 میلیون نفر می باشد که از ترکیب بیش از یکصد قوم و نژاد تشکیل شده است. ترکیب جمعیت روسیه به شرح زیر است: 79/8 درصد روس، 3/8 درصد تاتار، 2 درصد اکراینی، 2/1 درصد باشقیری و بقیه، سایر اقلیتهای قومی را تشکیل می دهند. 15٪ جمعیت بین 0 تا 14 سال، 7/71٪ بین 15 تا 46 سال، 13/3٪ آن 65 سال به بالا هستند.

رشد جمعیت این کشور منفی 0/64 است.

نرخ با سواد مردان 99/7٪ و زنان 99/2٪ می باشد.

سن امید به زندگی در میان مردان 59 سال و زنان 73 سال است.

میانگین سنی زنان 41/7 سال و مردان 35/3 است. میانگین کل جمعیت 38/5 سال است.

روش های مختلف مسافرت به روسیه

مسکو و سن پترزبورگ پرواز های مستقیمی به اکثر نقاط جهان دارند. خطوط هوایی سنگاپور، دلتا، آئروفلوت و یونایتد پروازهای بدون توقفی به روسیه دارند. سه فرودگاه بین المللی در مسکو وجود دارد:

heremetyevo (SVO) در شمال غربی

Domodedovo (DME) در جنوب

Vnukovo (VKO) در جنوب غربی

وسيله نقلیه سریعی برای جابجایی بین این فرودگاه ها وجود ندارد.

کرایه تاکسی برای حمل و نقل بین این فرودگاه های ۱۵۰۰ روبل می باشد، که بسیار گران است و تنها زمانی استفاده از آن باصرفه است که با چند نفر دیگر باشید. می توانید از وسایل حمل و نقل عمومی نیز استفاده کنید، که ارزان تر هستند (۲۰۰ تا ۵۰۰ روبل). اگر زبان روسی بلد نباشید و اولین بارتان باشد به روسیه مافرت می کنید، به احتمال زیاد گم می شوید. Domodedovo یک فرودگاه مجلل است که ترمینالی وسیع دارد و پرواز های داخلی و بین المللی را پوشش می دهد. بهتر است از این فرودگاه استفاده کنید. Vnukovo فرودگاه کوچک تری می باشد و خطوط هوایی ارزان قیمت در آن فعالیت می کنند. فرودگاه های بین المللی دیگر نیز در شهر های شوچی، نووسیبیرسک، یکتربینبورگ، کالینینگراد و ولادیوستوک وجود دارند. خطوط هوایی Transaero، S7airlines، Rossiya Airlines، UTair و Yakutia Airlines سفر های داخلی روسیه را پوشش می دهند.

کلیسای جامع سنت باسیلر اه آهن روسیه خدمات خوبی را ارائه می دهد، به دلیل جاده های نامناسب، قطار بهترین وسیله حمل و نقل در روسیه می باشد. در صورتی که زمان حرکت شما به قطار نخورد، می توانید از اتوبوس استفاده کنید، ولی به راحتی قطار نمی باشند.

سفر با خودرو در روسیه بسیار سخت می باشد. علائم راهنمایی و رانندگی در جاده های بین شهری ضعیف می باشند. کرایه خودرو در شهرهای بزرگ نظیر مسکو و سن پترزبورگ وجود دارد و بسیار گران هستند. بعضی جاده های مرزی نیز بسیار صعب العبور می باشد.

جاذبه های گردشگری

مرداد ماه و اوایل شهریور ماه گرم ترین فصول برای سفر به روسیه هستند. عید شکرگزاری و مراسم کریسمس و سال نو بیشترین جشن ها و فستیوال های را در بر می گیرند. فستوال موسیقی بهاره در ماه اردیبهشت، زمان اجراهای مختلف از اپراها و موسیقی های محلی است.

مهمترین شهر های توریستی روسیه مسکو، ایرکوتسک، قازان، نیژنی نووگورود، سن پترزبورگ، سوچی، ولادی وستوک، ولگاگراد و یکتربینبورگ می باشند.

روسیه ای ۲۵ اثر ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو دارد که از این تعداد ۱۵ اثر، میراث فرهنگی و ۱۰ اثر میراث طبیعی می باشند.

قصر باستانی پیترهوف دریاچه بایکال، دریاچه استان تور، دریاچه های استان لنینگراد، دریاچه های جمهوری کارلیا، دریای خزر، اثر تاریخی مادر مپهن، کلیسای جامع سنت باسیل، کاخ کرملین مسکو، میدان سرخ مسکو، قطب های جمهوری کومی، کوه ها البروس، مامف کورگن، کاخ موزه هرمیتیج، پارک لاپلند، قصر تابستانی پیترهوف، تئاتر های باله و آشفشان های کامچاتکا، آواچینسکی، تیتلا، اوستری، اوپالا از مهمترین جاذبه های گردشگری روسیه می باشند.

خرید کردن

واحد پول روسیه روبل (RUB) می باشد که به ۱۰۰ کوپک تقسیم می شود. نرخ تبدیل روبل به دلار در سالهای اخیر ثابت بوده است، ۱ دلار معادل ۳۰ روبل است. چک های مسافرتی در فروشگاه های روسیه پذیرفته نمی شود. دریافت ارزهای غیر از روبل در روسیه غیر قانونی می باشد. بانک ها و صرافی ها بهترین مکان برای تبدیل ارز می باشند، هتل ها نرخ تبدیل منصفانه ای ندارند.

مهمترین مراکز خرید شهر مسکو عبارتند از خیابان تورسکایا، خیابان آریات جدید و قدیم، فروشگاه مانژ، هندی کرافت، سینیور مال، سوپر مارکت های زنجیره ای زیادی نظیر Billa، Perekrestok، Carousel، Auchan، Magnit و Lenta در روسیه فعال می باشند که اجناس با کیفیت و ارزانی ارائه می دهند.

کاخ زمستانی موزه آرمیتاژ مهمترین سوغاتی های روسیه ماتریوشکا (مجموعه عروسک های چوبی رنگ شده)، اوشانکا (کلاه های کرمی که محافظ گوش دار)، سماور (وسیله ای برای درست کردن چای)، شکلات روسی، بستنی، کت های زمستانی، بالش درست شده از پر، حلوا، عسل، خاویار و پنیر سخت می باشند.

نکات ایمنی مهم به هنگام مسافرت به روسیه

گردشگرانی که قصد سفر به روسیه را دارند بهتر است نکات ایمنی زیر را رعایت فرمایند:

- از رفتن به قفقاز شمالی جداً خودداری کنید، زیرا در حال حاضر در آن منطقه ناآرامی و درگیری وجود دارد.
- روسیه کشور امنی برای گردشگران می باشد، اما در رسانه های میزان جرم و جنایت بزرگمایی می شود. با فروپاشی شوروی میزان جرم و جنایت بسیار کاهش پیدا کرد.
- دزدی، کیف قاپی و زورگیری بیشتر در زیرگذرها، مترو، قطارهای شبانه، فرودگاه، بازارها، جاذبه های گردشگری و رستوران ها اتفاق می افتند.
- از کرایه تاکسی های شخصی ثبت نشده، خودداری کنید.
- هر ساله ۳۵۰۰۰ نفر به دلیل حوادث رانندگی جان خود را در روسیه از دست می دهند. رانندگان روسی بسیار بی دقت می باشند و قوانین را رعایت نمی کنند
- اخیراً گرایش های نژاد پرستی در روسیه زیاد شده است. مواظب باشید که اگر سفیدپوست یا مسیحی نیستید، مراقب حرف ها و رفتارهای خود باشید.
- پول و اشیای گران قیمت خود را در معرض دید عموم قرار ندهید. به اندازه مخارج روزانه خود، پول با خود حمل کنید.
- خدمات درمانی در روسیه کیفیت بالایی دارد. اکثر بیمارستان ها مجهز، تمیز می باشند و از جدیدترین فن آوری ها استفاده می کند.
- کیفیت آب شیر در نقاط مختلف روسیه، متفاوت است. در ساختمان های قدیمی، آب شیر آشامیدنی نمی باشد. کیفیت آب در شهرهای بزرگ خوب است. اگر به آب بطری دسترسی ندارید، بهتر است آب را بجوشانید. قیمت آب بطری (۲ لیتری) در روسیه حدود ۲۰ تا ۳۰ روبل می باشد.

اقامتگاه های گردشگران در روسیه

در بسیاری از شهرها هتل های با کیفیتی پیدا نخواهید کرد. بسیاری از هتل های به دوران شوروی بر می گردند که اکثراً بازسازی شده اند، اما خدمات و برخوردشان تغییری نکرده است. حتی برای یک فرد محلی نیز پیدا کردن هتل مناسب کار سختی است. در نتیجه در فصول پررونق، یافتن هتل مناسب کار سختی است.

هتل ها در شهرهای بزرگ و توریستی بسیار گران هستند. پیدا کردن یک اتاق در یک خانه بسیار ارزان تر تمام می شود. مردم سنت پترزبورگ و مسکو ترجیح می دهند که خانه خود را به یک خارجی اجاره دهند تا یک محلی. هزینه این اتاق ها شبی ۶۰ تا ۷۰ دلار می باشد. این اتاق ها با وجود اینکه مدرن نیستند ولی تمیز هستند. مردم روسیه بسیار مهمان پذیر و صمیمی هستند. هتل های کوچکی تحت عنوان مینی هتل در روسیه ساخت شده اند که اتاق های آنها مدرن و تمیز است و شبی ۶۰ تا ۱۵۰ دلار می گیرند. این هتل ها صبحانه نیز می دهند.



غذا و آشپزی

میراث غنی آشپزی روسی محصول تعامل فرهنگ‌های مختلف، از بالتیک تا شرق دور، است. خاک حاصل خیز روسیه هم برای کشت و کار انواع دانه‌ها، سبزی‌ها و میوه‌ها مناسب است و توی بازارهای روسیه همیشه می‌توانید بهترین مواد غذایی محلی را پیدا کنید. روس‌ها گنجینه‌ی رنگارنگی از نان‌ها، سالادها، پیش‌غذاها و، از همه مهم‌تر، سوپ‌های جورواجور دارند که همه‌ی دنیا غذاهای روسی را با آن‌ها می‌شناسند. رودها، دریاچه‌ها و دریا‌های روسیه هم منبع بی‌نظیر ماهی‌ها هستند و اگر غذاهای دریایی را دوست داشته باشید، ناامید از روسیه بر نمی‌گردید. با این همه، حواستان باشد که روس‌ها، مثل همه‌ی ساکنان سرزمین‌های سردسیر، غذاهای چرب را دوست دارند و بنابراین بهتر است اگر به روسیه می‌روید، رژیم غذایی را فراموش کنید.

یک صبحانه‌ی معمولی در روسیه شامل بلینی (پن‌کیک کوچک روسی) با فیلینگ شیرین یا ادویه‌دار، انواع کاشا (فرنی گندم سیاه یا غلات دیگر)، سیرنیک (کلوچه‌ی پنیر روسی که آن را با مربا، شکر یا خامه‌ی ترش می‌خورند) و نان‌های متنوع روسی می‌شود.

روس‌ها پیش‌غذاهای خوش‌مزه‌ای هم دارند که گاهی از آن‌ها به جای میان‌وعده هم استفاده می‌کنند؛ از زیتون و بلینی قارچ، پنیر یا خاویار گرفته تا سالادهای دل‌چسبی که اغلب با مایونز مزه‌دارشان می‌کنند. متداول‌ترین سالادهای رستوران‌های روسیه سالاد الویه (گوشت، مرغ یا سوسیس خردشده، پنیر، سبزیجات و سس مایونز) و *سلادکا پُد شوئی* (سالاد کلاسیک ماهی) هستند. در بیشتر سالادهای روسی از گوشت، مرغ یا ماهی هم استفاده می‌کنند و نباید انتظار یک سالاد معمولی سبزیجات را از روس‌ها داشته باشید.

از پیش‌غذا و سالاد که بگذریم، هیچ وعده‌ی غذایی روسی بدون سوپ کامل نیست. سوچی (سوپ کلم برگ) و شلیانکا (ترکیبی از سبزیجات، گوشت و سیب‌زمینی که قدیم‌ترها غذای اصلی زمستانی دهقان‌ها بوده) سوپ‌های پرطرفداری هستند که تقریباً توی منوی همه‌ی رستوران‌های روسیه اسمشان را می‌بینید. بوزش هم سوپی با پایه‌ی چغندر است که هرچند در اصل اوکراینی است، اما حالا همه‌ی دنیا آن را غذایی روسی می‌دانند. این سوپ را سرد یا گرم و معمولاً با کمی خامه‌ی ترش می‌خورند و اغلب از آب گوشت هم در پختش استفاده می‌کنند، اما ممکن است نسخه‌ی گیاهی (پُستنی بورش) را هم توی بعضی رستوران‌ها پیدا کنید.

حالا برویم سر وقت غذاهای اصلی. بد نیست بدانید که آشپزی سنتی روسی با چیزی که در دوره‌ی کمونیست‌ها رایج شد و الان به آشپزی روسیه‌ی شوروی معروف است خیلی فرق دارد. غذاهای سنتی روسیه پر گوشت و حسابی سنگین هستند؛ غذاهایی مثل ژارکویه (نوعی آب‌گوشت که در ظرف‌های دیزی‌مانند سرو می‌کنند)، گُلیتا پو کی‌پُوسکی یا کتلت کی‌یفی و ششلیک. اما سبک آشپزی روسیه‌ی شوروی بیشتر به شیوه‌ی پخت و پز آسیای جنوبی شبیه است و مهم‌ترین غذاهایش شامل لگمن (غذایی سوپ‌مانند با نودل و گوشت که هرچه به سمت جنوب بروید، تندتر می‌شود) و پلو (برنج سرخ‌شده با گوشت بره و هویج) می‌شوند. بعضی غذاهای این سبک آشپزی را همه‌جای روسیه پیدا می‌کنید؛ غذاهایی مثل رابولوی روسی که معمولاً ماهی‌ی گوشتی دارد و آن را با خامه‌ی ترش، سرکه یا کره می‌خورند. بعضی از این غذاها، مثل پلِمینی قارچ یا سالمن، را هم بیشتر در رستوران‌های شیک سرو می‌کنند.

روس‌ها با ماهی هم میانه‌ی خوبی دارند و غذاهای دریایی متنوعی را در منوی رستوران‌ها می‌بینید. اما حتی رستوران‌های سطح بالای روسیه هم خیلی در پاک کردن ماهی دقت نمی‌کنند و برای همین باید حواستان به تیغ ماهی باشد. توی منوی بیشتر رستوران‌ها هم وزن و هم قیمت وعده‌های غذایی را نوشته‌اند و اغلب باید دورچین غذایتان را، از میان برنج، انواع بشقاب‌های سیب‌زمینی و گِرچکا (گندم سیاه لپه‌شده)، خودتان انتخاب کنید.

دسرهای روسی خیلی شیرین هستند و مُژژنو یا بستنی روسیه نظیر ندارد. خود روس‌ها هم عاشقش هستند و حتی توی زمستان‌های سرد و برفی خوردنش را فراموش نمی‌کنند. تُرتی (کیک خامه‌ای) هم دسر محبوبی است و بوگچنایاها (فروشگاه‌های نان و شیرینی) هم انواع پُچینه (کلوچه) را می‌فروشند که با چای عصرانه خیلی می‌چسبند. روس‌ها چای را مثل ما ایرانی‌ها دم می‌کنند و سماورها را هنوز هم همه‌جا می‌بینید. خیلی از روس‌ها، به جای شکر، چایشان را با مربا شیرین می‌کنند که شاید بد نباشد امتحانش کنید.

نکته‌ی آخر این که توی خیلی از شهرهای روسیه، مخصوصاً سن پترزبورگ، بهتر است از آب لوله‌کشی ننوشید و آب تصفیه‌شده یا آب معدنی بخرید.



شهر مسکو



شهر مسکو Moscow

آفتاب کم جانی که به گنبدهای طلایی کلیساها می تابد، سربازهای یونیفرم پوشی که دسته دسته در میدان سرخ رژه می روند، زنان و مردان پالتو پوشی که در برف راه می روند؛ این ها تصویری است که وقتی به مسکو فکر می کنیم در مغزمان زنده می شوند. مسکو، پایتخت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه، قلب تپنده ی روس هاست. کرملین عظیم هنوز هم نشانه هایی از شکوه شاهزاده های بزرگ سده های میانه را دارد و کلیسای سنت باسیل هنوز شکست مهاجمان تاتار را به یاد می آورد. یادتان باشد که کرملین نه فقط نماد مسکو، بلکه نماد روسیه است. این جا شاهد وحشت افکنی ایوان مخوف، حمله ی ناپلئون، دیکتاتوری پرولتاریای لنین، استبداد استالینی، اصلاحات گورباچف و اعلام موجودیت روسیه ی جدید بوده است. بنابراین، هرچور شده دیدن کرملین را در برنامه ی خودتان جا بدهید. درست بیرون دیوار شمال شرقی کرملین هم میدان سرخ را می بینید و در جنوب این میدان هم کلیسای جامع سنت باسیل را پیدا می کنید که حتما تصویرش را روی کارت پستال ها و پوسترهای توریستی روسی دیده اید، هرچند هیچ عکسی از این کلیسا زیبایی مدهوش کننده ی رنگ ها و نقش و نگارش را نشان دهد.

مسکو از آن شهرهایی است که تنوع جمعیتی و غنای فرهنگی کم نظیر است. چه شیفته ی اپراهای چایکوفسکی باشید و چه عاشق نمایشنامه های چخوف، این جا می توانید از عالی ترین اجراهای کلاسیک این آثار لذت ببرید. تئاتر بلشوی از آن جاهایی است که حیفا است در مسکو باشید و سراغش نروید. این جا بهترین اپراها و باله های روسیه و شاید جهان را اجرا می کنند و گذراندن یک شب در این تئاتر تاریخی تجربه ای رمانتیک خواهد بود. موزه های متعدد شهر هم دنیایی از آثار هنری و تاریخی را در خود جای داده اند که دل هر هنردوستی را می برند.

مسکو شهر نسبتا مسطحی است و تنها بلندی های مهم شهر «تپه های گنجشک» هستند که در ۶ کیلومتری جنوب غربی کرملین قرار گرفته اند و یکی از هفت آسمان خراش دانشگاه مسکو را روی آن ها ساخته اند؛ آسمان خراش هایی که به «هفت خواهر» معروف اند و شاخص ترین ساختمان های مسکو به شمار می روند.

این شهر آب و هوای قاره ای مرطوب دارد؛ تابستان هایی گرم، گاهی داغ و نسبتا مرطوب و زمستان هایی طولانی و سرد. در ماه های گرم ژوئن، ژوئیه و اوت، -

دمای هوای مسکو حدود ۲۳ درجه ی سانتی گراد است، اما موج های گرمای بین ماه های مه و سپتامبر گاهی دمای هوا را یکی دو هفته ای به دور و بر ۳۰ درجه می رسانند. زمستان ها هم دمای هوا تا ۱۰ درجه زیر صفر پایین می آید، گرچه گاهی ممکن است هوا از صفر درجه ی سانتی گراد سردتر نباشد.

در دوره ی کمونیستی، بیرون غذا خوردن توی مسکو به معنای خوردن یک وعده غذای ارزان و ساده در یک کافه تریا یا گاهی خوردن غذایی معمولی در رستوران یک هتل بود، اما این روزها وضع کاملا فرق کرده است. مسکو حالا پر است از رستوران های مجلل با غذاهای عالی و فضای خیره کننده. حالا می شود طعم غذاهای واقعا روسی را در رستوران های مسکو چشید و از غذا خوردن لذت برد. اگر هم از غذاهای سنگین روسی خسته شدید، می توانید سراغ رستوران های آسیایی، اروپایی و آمریکایی شهر بروید که بیشتر آن ها هم استانداردهای بین المللی را رعایت می کنند.

اگر می خواهید در مسکو خرید کنید، باید بدانید که کالاهای غیر روسی در بازارهای مسکو هم قیمت یا گران تر از بازارهای کشورهای تولیدکننده شان هستند و اگر دیدید که این جور کالاها را با قیمت های خیلی پایین می فروشند، احتمالا با جنس تقلبی سرو کار دارید. بد نیست که برای خرید به خیابان پتوسکا، پیاده راه او استلِسنیگف و خیابان معروف آربات سری بزنید و علاوه بر خرید، زندگی روزانه ی اهالی مسکو را هم از نزدیک ببینید.

مسکو پنج فرودگاه با پروازهای داخلی و خارجی دارد، اما شرمیتوو، در ۳۰ کیلومتری شمال غربی مرکز شهر، فرودگاه بین المللی اصلی مسکو است و بیشتر پروازهای بین المللی کشورهای خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق در این فرودگاه می نشینند.

شبکه ی متروی معروف و عظیم مسکو بیشتر نقاط شهر را به هم وصل کرده و بهترین وسیله برای رفت و آمد است. خیلی از ایستگاه های مترو هم فضایی دیدنی دارند. قطارها زود به زود می آیند و کم پیش می آید که بیش از دو دقیقه در ایستگاه منتظر بمانید. با این حال، در ساعت های شلوغ، واگن ها کاملا پر هستند و باید شلوغی و ازدحام را تحمل کنید.

مسکو از آن دسته شهرهایی است که قصه ای تاریخی را روایت می کند؛ قصه ی تاریخی هیجان انگیزی با شخصیت هایی مثل ایوان مخوف، راسپوتین، استالین، -

گورباچف و پوتین و البته هنرمندانی مثل چخوف، پوشکین و چایکوفسکی. کافی است به قصه‌هایی که دیوارهای کرملین و سنگ‌فرش میدان سرخ می‌گویند خوب گوش کنید.

چند توصیه:

۱. مسکو، مثل خیلی از شهرهای بزرگ، پراست از بانک‌ها و گیشه‌های صرافی که البته خدماتشان را با نرخ‌های متفاوت ارائه می‌دهند. بنابراین، اگر می‌خواهید مقدار قابل توجهی ارز را تبدیل کنید، بهتر است از چند جا قیمت بگیرید. یادتان باشد که تبدیل ارزهایی جز دلار و یورو کمی مشکل است و معمولا هم به ضررتان تمام می‌شود.

۲. میزان بارندگی در تابستان‌های مسکو کمی بیشتر از زمستان هاست. بنابراین، حتی اگر قرار است تابستان به مسکو بروید، لباس و کفش مناسب آب و هوای بارانی را فراموش نکنید.

۳. بعضی رستوران‌های غیر زنجیره‌ای مسکو غذاهای دو سبک آشپزی (مثلا اروپایی و قفقازی) را سرو می‌کنند، اما کیفیت غذای این رستوران‌ها اغلب چنگی به دل نمی‌زند و بهتر است دنبال رستورانی بگردید که در آشپزی یک منطقه حرفه‌ای است. پیش‌خدمت‌های رستوران‌های مسکو مثل پیش‌خدمت‌های غربی توقع انعام زیادی ندارند و حتی اگر انعامی هم برایشان نگذارید، دلخور نمی‌شوند. اما انعام دادن بد نیست و شاید انعامی معادل ۱۰٪ صورت‌حساب منصفانه باشد.

۴. اگر می‌خواهید سوغاتی‌های محلی مسکو را ببینید، بهتر است سراغ کریستال‌ها، پارچه‌های کتان، صنایع دستی سنتی یا شال‌های پشمی بروید. خیلی‌ها هم خرت و پرت‌های یادگار دوره‌ی کمونیستی را از مسکو سوغات می‌برند. اگر اهل خرید عتیقه‌جات هستید، یادتان باشد که برای خارج کردن عتیقه‌جات و آثار هنری باید از کمیته‌ی فرهنگ روسیه مجوز بگیرید و مالیات هم بپردازید که معمولا این مالیات ۱۰۰ درصد قسمت خرید کالا است.

۵. مسکو بیش از ۱۵۰ ایستگاه مترو دارد که به کمک تابلوهای بزرگ زردی که حرف M را رویشان نوشته‌اند، آن‌ها را پیدا می‌کنید. بلیت‌های مغناطیسی مترو را می‌توانید از باجه‌های بلیت‌فروشی ایستگاه‌ها بخرید. خرید بلیت‌های ۱۰ سفره (۱۲۰ روبل) و ۲۰ سفره (۱۹۵ روبل) هم به‌صرفه‌تر است و هم از چند بار در صف خرید بلیت ایستادن نجاتتان می‌دهد.

۶. توی مسکو هم، مثل ایران خودمان، مسافرکش زیاد است؛ بنابراین کافی است کنار خیابان بایستید و دستتان را دراز کنید تا یک تاکسی یا مسافرکش شخصی جلوی پایتان بایستد. البته تاکسی‌های رسمی را می‌توانید از لوگوی شطرنجی روی بدنه و یا چراغ سبز کوچکیان تشخیص دهید.

دیدنی‌ها:

- کرملین
- کاخ اسقف
- کلیسای جامع صعود مریم
- برج ناقوس ایوان مخوف
- ناقوس تزار
- کلیسای فرشته‌ی مقرب
- اسلحه‌خانه‌ی کرملین
- نمایشگاه صندوق الماس
- میدان سرخ
- آرامگاه لنین
- کلیسای جامع سنت باسیل
- موزه‌ی تاریخ کشور
- موزه‌ی تاریخ شهر مسکو
- موزه‌ی هنرهای زیبای پوشکین
- گالری تریاکف
- دیر و گورستان بُودویچی
- کلیسای جامع مسیح منجی
- پارک گورکی
- تئاتر بلشوی

تاریخچه

مسکوی امروزی در آغاز مرکزی بود برای مبادلات تجاری در نقطه‌ی تلاقی رودهای مسکو و یانوزا. حدود قرن دهم میلادی بود که مهاجرت قبایل اسلاو شرقی به این منطقه شروع شد و این قبایل مدتی مستقل و رها از سلطه‌ی سیاسی روس‌های کی‌یف در این جا زندگی می‌کردند، اما کم‌کم کی‌یفی‌ها در این منطقه قدرت گرفتند.

در اواسط قرن دوازدهم، اهمیتِ استراتژیکِ مسکو باعث شد شاهزاده یوری کی‌یفی محوطه‌ای محصور در خندق روی تپه‌ی شهر بسازد که پدربزرگ کرملین امروزی بود. مسکو کم‌کم قطبی تجاری و، در اوایل قرن سیزدهم، پایتخت ایالتی کوچک اما مستقل شد، ولی چند سال بعد، مغول‌ها به این شهر حمله کردند و شاهزاده‌ی شهر را واداشتند که به آن‌ها خراج بدهد. با این همه، مسکویی‌ها تسلیم نشدند و سال‌ها با مغول‌ها جنگیدند تا این که در اواخر قرن پانزدهم شاهزاده ایوان سوم، یا همان ایوان کبیر، مغول‌ها را شکست داد و از مسکو راند. حالا و قتش بود که مسکو را دوباره بسازند. این بود که ایوان سوم گروهی از هنرمندان و معماران ایتالیایی را به مسکو دعوت کرد تا استحکامات شهر را نوسازی کنند. دیوارهای آجری کرملین و برج‌های دیده‌بانی بلندش یادگار همین سال‌ها هستند. هنرمندها و بازرگانان شهر هم کنار کرملین، در کیتای‌گُژد، مرکز تجاری شهر را به وجود آوردند و دور محله‌های تجاری شهر دیواری سنگی کشیدند. از آن به بعد، شهر مسکو در قالب حلقه‌هایی هم‌مرکز بزرگ و بزرگ‌تر شد. با پررنگ‌تر شدن نقش سیاسی مسکو، این شهر کم‌کم کانونِ قدرت مذهبی هم شد. در اواسط قرن پانزدهم، کلیسای ارتدوکس روسیه، مستقل از کلیسای یونان، در مسکو قدرت گرفت و وقتی قسطنطنیه به دست ترک‌های عثمانی افتاد، این کلیسا قوی‌تر هم شد. در دوره‌ی ایوان مخوف بود که این شهر را، به خاطرِ دیرها و کلیساهای بزرگ و فراوانش، «مسکوی گنبد طلایی» نامیدند.

وقتی پتر کبیر تزار روسیه شد، مسکو را شهری مدرن کرد و سازه‌های عظیمی مثل برج ۹۰ متری شخارف و کالج ریاضیات و دریاوردی را ساخت. اما او از اشراف‌زادگان سنتی شهر دل خوشی نداشت و پایتخت را به شهر جدید سن‌پترزبورگ منتقل کرد و رونق پایتخت قدیمی روسیه کمتر شد. اما اوضاع این‌طور نماند و در قرن نوزدهم، بعد از این که مسکویی‌ها سربازان ناپلئون را از شهرشان راندند، مسکو دوباره جان گرفت و اولین دانشگاه، اولین موزه و اولین روزنامه‌ی روسیه در این شهر متولد شدند. بناهایی مثل طاق نصرت مسکو و کلیسای جامع مسیح منجی یادگارهای مهم این دوره‌اند. در همین سال‌ها هم بود که رود نِگِلینایا را، که از مرکز شهر می‌گذشت، به کانالی زیرزمینی هدایت کردند و باغ الکساندروسکی و میدان تئاتر را روی بستر سابق رود ساختند.

از اواسط قرن نوزدهم، مسکو کم‌کم از شهری تجاری به شهری صنعتی تبدیل شد و کارخانه‌های منسوجاتش بی‌نظیر بودند. وقتی در سال ۱۹۱۷ حکومت تزاری از پسِ شورش‌های کارگری سن‌پترزبورگ برنیامد، لنین به مسکو آمد و انقلاب بلشویکی را پیروز کرد و مسکو دوباره پایتخت روسیه شد. در سال‌های دیکتاتوری استالین، به بهانه‌ی نوسازی شهر، بناهای تاریخی مهمی مثل کلیسای جامع مسیح منجی و کلیسای کازان را خراب کردند و ایستگاه مترو و آسمان‌خراش‌های نئوکوتیک را به جای آن‌ها ساختند.

در جریان جنگ جهانی دوم، آلمان‌ها تا ۳۰ کیلومتریِ کرملین، یعنی تا مرز مسکو، پیش آمدند، اما سرمای سخت روسیه مانع پیشروی بیشتر آن‌ها شد. بعدها یادبودی در آخرین نقطه‌ی پیشروی آلمان‌ها در این ماجرا ساختند که حالا کنار جاده‌ی فرودگاه شِرِمیتِیوو قرار گرفته است.

از دوره‌ی استالین به بعد، مسکو مرکز صنایع دفاعی و نظامی روسیه شد و بخش بزرگی از مردم شهر در این بخش کار می‌کردند. اما پس از فروپاشی شوروی و پایان سلطه‌ی کمونیست‌ها، چهره‌ی شهر مدرن‌تر و امروزی‌تر شد و حالا می‌شود مسکو را سرزنده‌ترین شهر روسیه دانست.

حمل و نقل

آسان‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای این که از هر یک از فرودگاه‌های شهر به مسکو بیایید، این است که برنامه‌تان را از قبل با هتل یا آژانس مسافرتی خود هماهنگ کنید. در این صورت، احتمالاً با هزینه‌ای برابر با هزینه‌ی تاکسی‌های معمولی، می‌توانید بی هیچ دردسری از فرودگاه به هتل بروید. از هر پنج فرودگاه هم به خطوط حمل و نقل عمومی دسترسی خواهید داشت؛ به این شکل که باید با ون‌های ویژه‌ی فرودگاهی تا یکی از ایستگاه‌های مترو بروید و از آن‌جا سوار مترو شوید. این راه ارزان‌تر، و البته کندتر، است.

مینی‌بوس‌ها یا مارشروتکاهای بین فرودگاه بین‌المللی شرمیتیوو و ایستگاه متروی رچنوی، در مسیر رفت و برگشت، توقفی هم در فرودگاه شرمیتیوو دارند. این مینی‌بوس‌ها وقتی ظرفیتشان تکمیل شد حرکت می‌کنند؛ یعنی حدود نیم ساعت یک بار. اگر می‌خواهید در شرمیتیوو سوار این مینی‌بوس‌ها شوید، به ایستگاهی بروید که ۲۰۰ متر جلوتر از پایانه‌ی مسافری و درست در سمت راست پارکینگ قرار گرفته است.

اگر می‌خواهید از شهر به سمت فرودگاه‌های شرمیتیوو بروید، با مترو به ایستگاه رچنوی بروید و از خروجی نزدیک سر قطار خارج شوید. حدود ۱۰۰ متر دورتر از ایستگاه، مینی‌بوس فرودگاه را می‌بینید. این مسیر رفت و آمد بین شهر و شرمیتیوو یک ساعت طول می‌کشد و بین شهر و شرمیتیوو حدود ۷۰ دقیقه. اتوبوس شهری خط ۵۵۱ هم از همین مسیر می‌گذرد، اما استفاده از آن زمان‌برتر است. اگر با تاکسی از شرمیتیوو به مرکز شهر بیایید، حدود ۴۵ دقیقه در راه خواهید بود و دور و بر ۸۰۰ روپل باید کرایه بدهید.

اگر سروکارتان با فرودگاه دُمُدُوو باشد، بهترین راه این است که از قطار سریع‌السیری که هر نیم ساعت از ایستگاه متروی پاولتس به این فرودگاه می‌آید استفاده کنید تا با پرداخت ۱۰۰ روپل در ۴۵ دقیقه به فرودگاه برسید. بارتان را هم می‌توانید در همان ایستگاه قطار به دفتر فرودگاه تحویل بدهید و خیالتان را راحت کنید. طی کردن همین مسیر با تاکسی ۷۰۰ تا ۸۰۰ روپل هزینه دارد و بسته به ترافیک بین یک ساعت تا یک ساعت و ربع طول می‌کشد.

از فرودگاه ونوکوو هم می‌توانید با قطار سریع‌السیر، با هزینه‌ی ۷۶ روپل و در ۳۵ دقیقه، به ایستگاه کی‌فسکی بروید. این قطار از ۷ صبح تا ظهر و از ۵ عصر تا ۸ شب هر یک ساعت حرکت می‌کند. در غیر این ساعت‌ها می‌توانید با مینی‌بوس بین فرودگاه و ایستگاه متروی یوگوزاپادنیا رفت و آمد کنید؛ مسیری که نیم ساعت طول می‌کشد و ۳۰ روپل هزینه دارد. کرایه‌ی تاکسی بین مرکز شهر و این فرودگاه حدود ۸۰۰ روپل است و حدود یک ساعت هم در راه خواهید بود.

- مترو

متروی مسکو بیشترین نقاط شهر را به هم وصل کرده و بهترین وسیله برای رفت و آمد است. اتوبوس‌ها، تراموا و قطارهای شهری هم شما را به محدود نقاط دور از شبکه‌ی مترو می‌رسانند. معمولاً بلیت این وسایل نقلیه را می‌توانید داخل آن‌ها به قیمت ۱۰ روپل از متصدی بخرید.

مترو راحت‌ترین، سریع‌ترین و ارزان‌ترین وسیله‌ی حمل و نقل در مسکو است و خیلی از ایستگاه‌های مترو هم فضایی دیدنی دارند. قطارها زود به زود می‌آیند و کم پیش می‌آید که بیش از دو دقیقه در ایستگاه منتظر بمانید. با این حال، در ساعت‌های شلوغ، واگن‌ها کاملاً پر هستند.

مسکو بیش از ۱۵۰ ایستگاه مترو دارد که به کمک تابلوهای بزرگ زردی که حرف M را رویشان نوشته‌اند، آن‌ها را پیدا می‌کنید. بلیت‌های مغناطیسی مترو را می‌توانید از باجه‌های بلیت‌فروشی ایستگاه‌ها بخرید. خرید بلیت‌های ۱۰ سفره (۱۲۰ روپل) و ۲۰ سفره (۱۹۵ روپل) هم به‌صرفه‌تر است و هم از چند بار در صف خرید بلیت ایستادن نجاتتان می‌دهد. در همه‌ی ایستگاه‌ها نقشه‌های مترو و تابلوهای نشان‌دهنده‌ی مسیر شما را راهنمایی می‌کنند. برای تغییر خط باید از زیرگذرهایی استفاده کنید که با تابلوهای «Perekhod» مشخص شده‌اند؛ تابلوهایی معمولاً آبی رنگ با تصویر فردی که از پله‌ها بالا می‌رود. توی واگن‌ها هم نقشه‌هایی هستند که همه‌ی ایستگاه‌های خط را با حروف لاتین و سیریلیک مشخص کرده‌اند.

- تاکسی

توی مسکو هم، مثل ایران خودمان، مسافرکش زیاد است؛ بنابراین کافی است کنار خیابان بایستید و دستتان را دراز کنید تا یک تاکسی یا مسافرکش شخصی جلوی پایتان بایستد. البته تاکسی‌های رسمی را می‌توانید از لوگوی شطرنجی روی بدنه و یا چراغ سبز کوچکی که نشان تشخیص دهید.

تاکسی‌های مسکو از تاکسی‌متر استفاده نمی‌کنند و همه‌ی آن‌ها هم می‌گویند که پول خرد ندارند، پس بهتر است پول خرد با خودتان داشته باشید. اگر سر و وضع مسافران یک تاکسی به دلتان ننشست، بی‌خیالش شوید. در واقع، بهتر است اصلاً سوار ماشین‌هایی که بیشتر از دو مسافر دارند نشوید.



آب و هوا

مسکو آب و هوای قاره‌ای مرطوب دارد؛ تابستان‌هایی گرم، گاهی داغ و نسبتاً مرطوب و زمستان‌هایی طولانی و سرد. در ماه‌های گرم ژوئن، ژوئیه و اوت، دمای هوای مسکو حدود ۲۳ درجه‌ی سانتی‌گراد است، اما موج‌های گرما که گاهی بین ماه‌های مه و سپتامبر از راه می‌رسند می‌توانند دمای هوا را یکی دو هفته‌ای به دور و بر ۳۰ درجه برسانند. زمستان‌ها دمای هوا تا ۱۰ درجه زیر صفر پایین می‌آید، گرچه گاهی ممکن است هوا از صفر درجه‌ی سانتی‌گراد سردتر نباشد. تابستان مسکو از اواسط مه شروع می‌شود و تا اوایل سپتامبر ادامه دارد و زمستانش هم از اوایل نوامبر تا پایان مارس طول می‌کشد.

متوسط بارش ماهیانه در طول سال کمابیش یکسان است، هرچند میزان بارندگی در تابستان‌ها کمی بیشتر از زمستان‌هاست. بنابراین، حتی اگر قرار است تابستان به مسکو بروید، لباس و کفش مناسب آب و هوای بارانی را فراموش نکنید. بیشتر بارش‌های مسکو به شکل باران هستند، اما در ماه‌های زمستانی تقریباً فقط برف می‌بارد. بارش برف از اواخر سپتامبر شروع می‌شود و تا اوایل مه ادامه دارد، اما از اواسط نوامبر تا اوایل آوریل است که برف روی زمین می‌نشیند و شهر سفیدپوش می‌شود.

سرعت باد در مسکو چندان زیاد نیست و بین ۲ تا ۶ متر بر ثانیه متغیر است. با این حال، گاهی در فاصله‌ی ماه‌های مه تا سپتامبر، طوفان‌هایی از راه می‌رسند و سرعت باد به ۱۵ تا ۳۵ متر بر ثانیه افزایش می‌یابد.

با توجه به این شرایط آب و هوایی، شاید بهترین زمان برای سفر به مسکو اواخر بهار، یعنی ماه‌های مه و ژوئن و اوایل پاییز، یعنی سپتامبر یا اکتبر، باشد؛ مخصوصاً که در این ماه‌ها فستیوال‌هایی هم در شهر برگزار می‌کنند.

مراکز خرید

کالاهای غیرروسی در بازارهای مسکو هم‌قیمت یا گران‌تر از بازارهای کشورهای تولیدکننده‌شان هستند و اگر دیدید که این جور کالاها را با قیمت‌های خیلی پایین می‌فروشند، احتمالاً با جنس تقلبی سرو کار دارید.

مهم‌ترین خیابان خرید مسکو خیابان پتروسکاست که این روزها به دوره‌ی اوج پیش از انقلاب ۱۹۱۷ برگشته است. این خیابان از کنار تئاتر بلشوی شروع می‌شود و به شمال می‌رود. دو طرف خیابان پر است از بوتیک‌های سطح بالا و یک فروشگاه بزرگ و یک مرکز خرید شیک را هم در آن پیدا می‌کنید. پیاده‌راه استلینسکیف بهترین قسمت این خیابان است و مغازه‌های بی‌نظیرش خیره‌کننده‌اند.

خیابان معروف آربات هم همیشه پاتوق توریست‌ها در مسکو بوده است و اگر می‌خواهید سوغاتی بخرید، بهتر است حتماً سری به مغازه‌ها و کیوسک‌های رنگارنگش بزنید. آربات در واقع یک پیاده‌راه ۲۵/۱ کیلومتری است که میدان آرباتسکایا در حلقه‌ی بولوار را به میدان استلنسکایا در حلقه‌ی باغ متصل می‌کند. اگر می‌خواهید سوغاتی‌های محلی مسکو را ببینید، بهتر است سراغ کریستال‌ها، پارچه‌های کتان، صنایع دستی سنتی یا شال‌های پشمی بروید. خیلی‌ها هم خرت و پرت‌های یادگار دوره‌ی کمونیستی را از مسکو سوغات می‌برند. اگر اهل خرید عتیقه‌جات هستید، یادتان باشد که برای خارج کردن عتیقه‌جات و آثار هنری مثل نسخه‌های خطی، سکه‌های قدیمی، جواهرات، کتاب‌های قدیمی باید از کمیته‌ی فرهنگ روسیه مجوز بگیرید و مالیات هم بپردازید که معمولاً این مالیات ۱۰۰ درصد قسمت خرید کالا است.

- بازار ایزمایلُو

توی این بازار، انواع آثار هنری، صنایع دستی، عتیقه‌جات، یادگارهای دوره‌ی کمونیسم و در واقع همه جور سوغاتی روسیه، از جمله عروسک‌های تودرتوی ماتریشکا، را پیدا می‌کنید. بعضی مغازه‌ها هم فرش‌های سنتی ناحیه‌ی قفقاز و آسیای مرکزی، سفال، کتان، جواهرات، کلاه‌های خز، صفحه‌های شطرنج و اسباب‌بازی‌های جورواجور می‌فروشند. این جا می‌توانید چانه بزنید، اما انتظار نداشته باشید که فروشنده‌ها خیلی با شما راه ببایند. در عوض با کمی چانه زدن، با حتی بدون چانه زدن، می‌توانید از دست‌فروش‌ها حدود ۱۰ درصد تخفیف بگیرید. مغازه‌های این جا هر روز باز هستند، اما بیشتر دست‌فروش‌ها فقط آخر هفته به این بازار می‌آیند. غرفه‌های هنری بازار ایزمایلُو را در خیابان کریمسکی، درست روبه‌روی ورودی پارک گورکی، و در پُرخُد (بازارچه‌ی زیرگذر) می‌بینید.

بارگشت به فهرست مطالب

- مرکز خرید جی یو ام

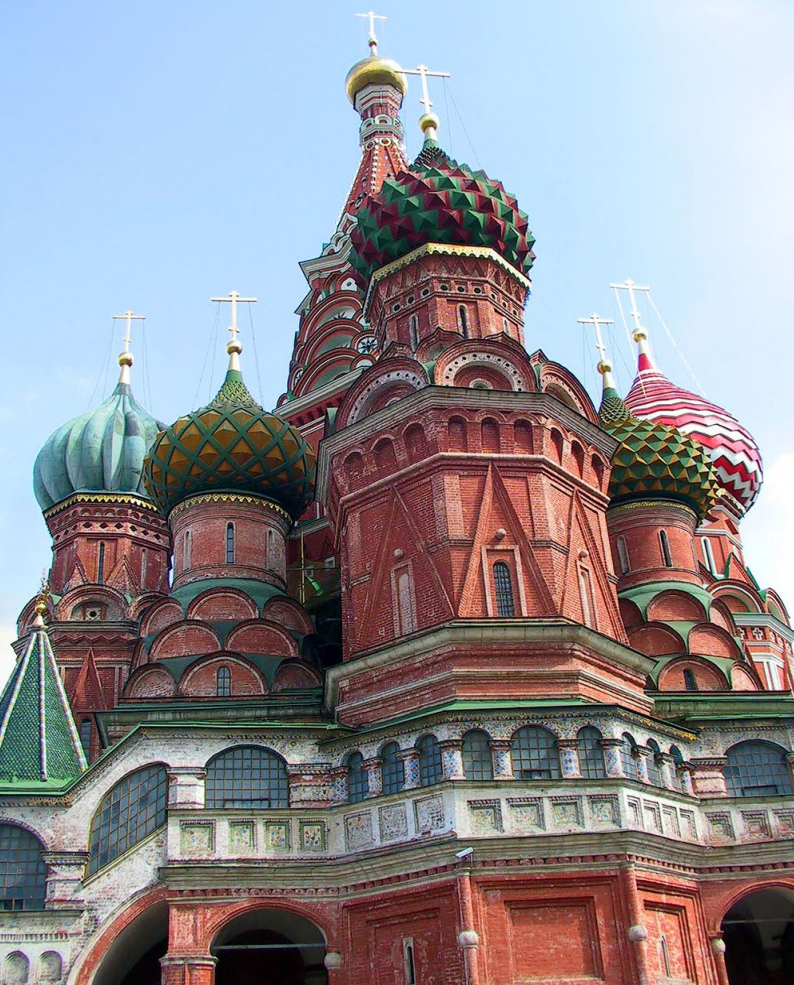
ساختمان قرن نوزدهمی و دیدنی این مرکز خرید را در قسمت شرقی میدان سرخ پیدا می‌کنید؛ جایی که با وجود قدمت تاریخی، حال و هوایی امروزی دارد. این جا تعداد بسیار زیادی از مغازه‌ها را در چند طبقه خواهید دید که همه جور جنسی می‌فروشند.

- مرکز خرید اُختنی ریاد

این مرکز خرید مجلل را در دهه‌ی ۱۹۹۰ ساخته‌اند و هرچند زمانی پر بود از بوتیک‌های گران‌قیمت، اما حالا مغازه‌هایش اجناسی با دامنه‌های قیمتی گوناگون می‌فروشند و از آن مراکز خرید پر طرف‌دار مسکو شده است. در طبقه‌ی هم‌کف مجموعه هم یک فودکورت بزرگ را پیدا می‌کنید که همیشه شلوغ است.

- دتسکی میر

این فروشگاه بزرگ که معنی اسمش «دنیا بچه‌ها» ست، در دوره‌ی شوروی، مهم‌ترین مرکز فروش اسباب‌فروشی مسکو بود، اما الان، در کنار اسباب‌بازی‌های ساخت روسیه، انواع وسایل ورزشی و لوازم خانگی را هم در آن پیدا می‌کنید.



پیشنهاد سفر

در دو روز

اگر قرار است دو روز در مسکو بمانید، یک روز کامل را صرف کشف دیدنی‌هایی کنید که نماد مسکو شده‌اند؛ کلیسای جامع سنت باسیل، آرامگاه لنین و کرم‌لین. چند ساعت از عصر را هم در اسلحه‌خانه‌ی کرم‌لین بگذرانید و سنگ‌های قیمتی آن را ببینید. اگر اهل هنر هستید، روز دوم سراغ گالری پوشکین یا تریاکف بروید؛ گالری‌هایی که با بهترین موزه‌های جهان رقابت می‌کنند. اگر علاقه‌ای به گشت زدن در گالری‌ها ندارید، به دیر نودویچی بروید تا با تاریخ روسیه آشنا شوید.

در چهار روز

دو روز اول را همان‌طور که در بالا گفتیم بگذرانید و بعد از آن سفری یک روزه به منطقه‌ی آرخانگلسکو در ۲۰ کیلومتری مسکو داشته باشید و آثار هنری دوره‌ی پیش از انقلاب ۱۹۱۷ را تماشا کنید و از کسرت موسیقی کلاسیک لذت ببرید. روز چهارم را هم به خرید و کافه‌نشینی و کشف بقیه‌ی دیدنی‌های مسکو بگذرانید.

جشنواره‌ها و رویدادها

از آن‌جا که برنامه‌های بسیاری از جشنواره‌ها و رویدادهای مسکو سال به سال تغییر می‌کنند، بد نیست که اخبار جشنواره‌ها را از وب‌سایت‌های مرتبط و روزنامه‌های شهر بگیرید.

- ژانویه و دسامبر

جشنواره‌ی شب‌های دسامبر

این جشنواره را، از اواسط دسامبر تا اوایل ژانویه، در تالارهای اصلی تئاتر و موزه‌های شهر برگزار می‌کنند و می‌توانید برنامه‌های نمایشی و موسیقایی بهترین هنرمندان روس و غیرروس را در آن ببینید.

- جشنواره‌ی زمستانه

این جشنواره را در اوایل ژانویه برگزار می‌کنند و مردم دور و بر موزه‌ی پوشکین و میدان سرخ جمع می‌شوند و مجسمه‌های یخی می‌سازند.

- مارس و آوریل

جشنواره‌ی نقاب طلایی

جشنواره‌ای دو هفته‌ای با برنامه‌های برجسته‌ی درام، اپرا و موسیقی روس که حال و هوای ویژه‌ای به مسکوی سرد می‌دهند.

- جشنواره‌ی انجمن مسکو

یک جشنواره‌ی موسیقی معاصر که هر سال در کنسرواتوار مسکو برگزار می‌کند.

- ژوئن

اینترفست

جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم مسکو

- سپتامبر

روز شهر (دن گزدا)

اهالی مسکو هر سال در اوایل آخر هفته‌ی سپتامبر سالگرد تولد شهرشان را جشن می‌گیرند و برنامه‌های متنوعی مثل رژه، موسیقی زنده در میدان سرخ و آتش‌بازی برگزار می‌کنند و غذاهای خوشمزه می‌خورند.

جاذبه‌های تفریحی و گردشگری مسکو

- کرم‌لین

کرم‌لین نه فقط نماد مسکو، بلکه نماد روسیه است. این جا شاهد وحشت‌افکنی ایوان مخوف، حمله‌ی ناپلئون، دیکتاتوری پرولتاریای لنین، استبداد استالینی، اصلاحات گورباچف و اعلام موجودیت روسیه‌ی جدید بوده است. بنابراین، هرچیز شده کرم‌لین را در برنامه‌ی خودتان جا بدهید.

زمین مثلث‌شکل کرم‌لین در ساحل شمالی رود مسکو قرار گرفته است و احتمالاً اولین ساختمان کرم‌لین را در قرن یازدهم ساخته‌اند. حالا دیوارهایی به ارتفاع ۲۵/۲ متر دورتادور کرم‌لین را گرفته‌اند و میدان سرخ را هم بیرون دیوار شرقی کرم‌لین می‌شود دید. منطقه‌ی سوفسکایا در آن سوی رود مسکو بهترین چشم‌انداز را به کرم‌لین دارد.

واژه‌ی کرم‌لین به معنای استحکامات شهر است. اولین دیواری که در سال ۱۱۵۰ دور مسکو کشیدند، دیواری چوبی و کم‌ارتفاع بود. اما با افزایش نفوذ شاهزاده‌های مسکو، این شهر هم مهم‌تر شد و در سال ۱۳۶۰ میلادی، دیوارهایی از سنگ آهک برایش ساختند که به «کرم‌لین سنگ سفید» مشهور شدند. در قرن پانزدهم، سنگ‌تراشانی که ایوان مخوف از ایتالیا آورده بود ۳ کلیسای جامع و برج‌ها و دیوارهای جدیدی برای کرم‌لین ساختند که بیشتر آن‌ها هنوز هم سرپا هستند.

وقتی ناپلئون مسکو را اشغال کرد، قبل از عقب‌نشینی در سال ۱۸۱۲، بخش‌هایی از کرم‌لین را ویران کرد و این مجموعه در اکتبر ۱۹۱۷ هم از یورش انقلابی‌های بلشویک در امان نماند. استالین هم در سال ۱۹۳۵ دستور داد که مجسمه‌های عقاب‌های دوسر نماد امپراتوری تزارها را از دیوارهای پنج برج بلند کرم‌لین بردارند و ستاره‌های شیشه‌ای سرخ را به جایشان بگذارند که تا امروز هم روی دیوارها مانده‌اند. حکومت کمونیستی شوروی تا سال ۱۹۵۵ درهای کرم‌لین را به روی مردم بسته بود، اما از آن به بعد بازدید از کرم‌لین کم‌کم آزاد شد.

قبل از وارد شدن به کرم‌لین باید کیف و وسایلتان را به دفتر امانات پایین برج کوتافیا، نزدیک گیشه‌ی اصلی فروش بلیت، بسپارید، با بلیتی که از این گیشه می‌خرید می‌توانید از همه‌ی ساختمان‌های مجموعه، جز اسلحه‌خانه و نمایشگاه صندوق الماس، دیدن کنید. البته بهتر است که بلیت ورودی اسلحه‌خانه را هم از همین گیشه بخرید، تا گرفتار یک صف دیگر نشوید. البته یک ورودی هم پایین برج جنوبی بژویتسکایا هست که آن‌هایی که می‌خواهند مستقیم سراغ اسلحه‌خانه یا نمایشگاه صندوق الماس بروند، آن ورودی را ترجیح می‌دهند. یادتان باشد که ورود به بعضی محوطه‌ها ممنوع است و با شلوارک هم نمی‌توانید وارد کرم‌لین شوید. دیدن ساختمان‌ها و اسلحه‌خانه‌ی کرم‌لین تقریباً نصف روز زمان می‌برد و اگر بخواهید به صندوق الماس و دیگر نمایشگاه‌های ویژه هم سری بزنید، طبیعتاً این زمان طولانی‌تر می‌شود.

کنار همان برج کوتافیا، توره‌ای راهنمای متعددی را پیدا می‌کنید که با هزینه‌ی ۳۰۰ تا ۶۰۰ روبل در ساعت شما را در کرم‌لین می‌گردانند و البته کیفیت کارشان هم متفاوت است.



- ساختمان‌های شمالی و غربی کرملین

برج کوفتایا، تنها بازمانده‌ی برج‌های این بخش از کرملین، ورودی اصلی مجموعه است. اگر از این برج وارد کرملین شوید و کنار دیوار قدم بزنید، به برج دروازه‌ی تئلیت می‌رسید و در سمت راست این برج هم کاخ قرن هفدهمی پُتشی‌نی را می‌بینید که محل زندگی استالین بوده است. کمی که به سمت شرق بروید، کاخ پَرزِرُق و برق دولتی کرملین را می‌بینید که در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ آن را ساختند تا محل کنگره‌ی حزب کمونیست باشد، اما حالا به یک تالار باله تبدیلش کرده‌اند. در شمال هم زرادخانه‌ی قرن هجدهمی مجموعه و ۸۰۰ توپ جامانده از حمله‌ی ناپلئون را خواهید دید. در شرق زرادخانه، ساختمان زردرنگی قرار دارد که قبلاً ساختمان سنا بود و حالا دفاتر کار رئیس‌جمهور روسیه را در خود جای داده است. کنار این ساختمان هم می‌توانید ساختمان شوروی برتر را پیدا کنید که عمرش به دهه‌ی ۱۹۳۰ می‌رسد.

- کاخ اسقف

کاخ اسقف را در اواسط قرن هفدهم ساخته‌اند و مهم‌ترین بخش آن تالار صلیبی است که مهمانی‌های تزار را آن‌جا برگزار می‌کرده‌اند. این کاخ به کلیسای پنج قبه‌ی دوازده حواری هم راه دارد و اغلب نمایشگاه‌های ویژه‌ای هم در آن برپاست که البته برای بازدید از آن‌ها باید جداگانه بلیت بخرید.

- کلیسای جامع صعود مریم

در قلب کرملین، میدان شُرنایا یا کلیسا قرار دارد که دورتادورش را ساختمان‌هایی خیره‌کننده گرفته‌اند. کلیسای صعود مریم در ضلع شمالی این میدان است. این کلیسا را که پنج گنبد طلایی دارد بین سال‌های ۱۴۷۵ تا ۱۴۷۹ ساخته‌اند و محل دفن بسیاری از رهبران کلیسای ارتدوکس روسیه است.

- برج ناقوس ایوان مخوف

این برج با دو گنبد طلاییش در ضلع شرقی میدان سبرنایای کرملین قرار گرفته و بلندترین سازه‌ی کرملین است که از ۳۰ کیلومتری هم دیده می‌شود. این برج را معماری ایتالیایی در دوران ایوان مخوف ساخته است و در طبقه‌ی پایین آن هم مجموعه‌هایی از آثار هنری مرتبط با کرملین را نمایش می‌دهند که البته برای دیدن این مجموعه‌ها باید بلیت بخرید.

- ناقوس تزار

کنار برج ناقوس ایوان مخوف، ناقوس تزار را می‌بینید که بزرگ‌ترین ناقوس جهان است و ۲۰۲ تن وزن دارد که البته به صدا در نمی‌آید.

- کلیسای فرشته‌ی مقرب

این کلیسا در گوشه‌ی جنوب شرقی میدان سبرنایای کرملین قرار گرفته است و قرن‌ها محل تاج‌گذاری، ازدواج و تدفین تزارها بوده است. همه‌ی حاکمان مسکو را در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۶۹۰ این‌جا دفن کرده‌اند، اما ساختمان کلیسا را بین سال‌های ۱۵۰۵ تا ۱۵۰۸ ساخته‌اند.

- اسلحه‌خانه

اسلحه‌خانه در گوشه‌ی جنوب غربی کرملین قرار گرفته و گنجینه‌های سران حکومت و کلیسای روسیه را در خود جای داده است. در اتاق شماره‌ی ۷، می‌توانید تخت پادشاهی پتر کبیر و ایوان پنجم و تاج ۸۰۰ الماسه‌ی تزار الکسی را هم ببینید.

- نمایشگاه صندوق الماس

اگر جواهرات گنجینه‌های اسلحه‌خانه اشتهاپتان را برای دیدن الماس فرو نشانند، می‌توانید سری به نمایشگاه صندوق الماس بزنید که در همان ساختمان اسلحه‌خانه قرار گرفته است و پر است از جواهرات و سنگ‌هایی قیمتی که تزارها و امپراتریس‌های روسیه طی قرن‌ها جمع کرده‌اند، از جمله بزرگ‌ترین یاقوت کبود جهان.

- موزه‌ی تاریخ کشور

این موزه در شمال میدان سرخ قرار گرفته و روایتگر تاریخ روسیه از عصر حجر تا امروز است. خود ساختمانی قرن نوزدهمی موزه هم دیدنی است، چون هراتاقش را به سبک یک دوره یا یک منطقه طراحی کرده‌اند. با خرید یک بلیت مشترک می‌توانید هم موزه‌ی تاریخ کشور و هم کلیسای سنت باسیل را ببینید.

- میدان سرخ

درست بیرون دیوار شمال شرقی کرملین، میدان سرخ، یا به قول روس‌ها کراسنایا پلوشچاد، را می‌بینید. در جنوب این میدان هم کلیسای جامع سنت باسیل را پیدا می‌کنید که مهم‌ترین نماد روسیه است. میدان سرخ در آغاز مرکزی برای تجارت بود و همیشه مراسم مهم مسکو را در آن برگزار می‌کرده‌اند. همین‌جا بود که ایوان مخوف در سال ۱۵۴۷ پیش چشم همه به گناهانش اعتراف کرد و بعدها بسیاری از دشمنانش را هم این‌جا اعدام کرد. حاکمان کمونیست شوروی هم رژه‌های نظامی عظیم ارتش را این‌جا برگزار می‌کردند. عبور و مرور ماشین‌ها در میدان سرخ متنوع است، البته به‌جز لیموزین‌هایی که گاه‌گاهی از دروازه‌ی کرملین می‌گذرند. این محوطه‌ی سنگ‌فرش ۴۰۰ در ۱۵۰ متر، کانون جغرافیایی تاریخ روسیه است و مخصوصاً شب‌ها نظیر ندارد.

- آرامگاه لنین

مقبره‌ی گرانتی لنین، رهبر سابق بلشویک‌ها، از آن جاهایی است که حتماً باید ببینید. بین سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱، استالین هم در این مقبره با لنین شریک بود، اما در سال ۱۹۶۱ بقایای بدنش را به نقطه‌ای پشت مقبره‌ی لنین منتقل کردند. قبل از این که در صف ورود به مقبره بایستید، دوربین و وسایل‌تان را به دفتر امانات موزه‌ی تاریخ کشور بسپارید، بد نیست وقتی از جلوی جسد مومیایی‌شده‌ی لنین گذشتید، از آرامگاه بیرون بیایید و محل دفن استالین، برژنف و دیگر رهبران حزب کمونیست را هم ببینید.

- کلیسای جامع سنت باسیل

هیچ عکسی از کلیسای جامع پُکُزُوسکی یا همان کلیسای جامع سنت باسیل نمی‌تواند زیبایی مدهوش‌کننده‌ی رنگ‌ها و شکل‌های آن را نشان دهد. این نماد روسیه را بین سال‌های ۱۵۵۵ تا ۱۵۶۱ به شکرانه‌ی پیروزی ایوان مخوف بر تاتارها ساختند. می‌گویند وقتی کار ساخت این کلیسای خیره‌کننده به پایان رسید، ایوان چشم‌های معمارش را کور کرد تا دیگر نتواند اثری به این زیبایی بسازد. این کلیسای جامع در واقع ترکیبی است از ۹ کلیسای کوچک در کنار هم.

- موزه‌ی تاریخ شهر مسکو

اگر می‌خواهید با قصه‌ی تاریخی شهر مسکو آشنا شوید، حتماً سری به این موزه بزنید تا ببینید که شهر چگونه از نقطه‌ی مرکزی کرملین به سوی بیرون رشد کرده است.

- موزه‌ی هنرهای زیبای پوشکین

این موزه نه تنها به خاطر نقاشی‌های امپرسیونیستی و پست‌امپرسیونیستی خود مشهور است، بلکه مجموعه‌ای از آثار هنری اروپای دوره‌ی رنسانس به بعد را هم در خود جای داده است؛ آثاری که بیشتر آن‌ها را بلشویک‌ها پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ از مجموعه‌های خصوصی ضبط کردند. اگر به این موزه رفتید، آثار نقاشان آلمانی و فلاندری قرن هفدهم را از دست ندهید که شامل چند پرتره از امپرانده هم می‌شوند. این‌جا مجموعه‌ای عالی از آثار بازمانده از مصر باستان، مثل چند اسلحه، جواهرات، چند سنگ قبر و دو مومیایی را هم خواهید دید.

- گالری تِرتیاکف

اگر می‌خواهید فقط یک موزه را در مسکو ببینید، پیشنهاد می‌کنیم این‌جا را انتخاب کنید. بر خلاف موزه‌ی پوشکین که در آن مجموعه‌ای از آثار هنری تمام دنیا را نمایش می‌دهند، این‌جا میزبان آثار کلاسیک هنری روسیه است و بازدید از آن راه خوبی برای آشنایی با فرهنگ و هنر روس‌هاست.

- دیر و گورستان نُوُدویچی

دیر نُوُدویچی را در سال ۱۵۲۴ ساختند، اما در دوره‌های مختلف نقش یکی از استحکامات دفاعی مسکو را هم بازی کرده است. سوفیا، خواهر ناتنی پترکبیر، در اواخر قرن هفدهم این دیر را بازسازی کرد و این‌جا خانه‌ی دوم او شد. وقتی هم که پتر ۱۷ ساله خواهرش را از قدرت خلع کرد، این‌جا به اقامتگاه اجباری سوفیا تبدیل شد. بسیاری از شخصیت‌های ادبی و سیاسی برجسته‌ی روسیه هم در گورستان همین دیر دفن شده‌اند؛ کسانی مثل آنتون چخوف، نیکلای گوگول، ولادیمیر مایاکوسکی، نیکیتا خروشچف و بوریس یلتسین.

- کلیسای جامع مسیح منجی

این کلیسا بلندترین کلیسای ارتدکس جهان است و آن را بین سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۸۳ به شکرانه‌ی پیروزی روسیه بر ناپلئون ساخته‌اند. استالین در سال ۱۹۳۱ دستور داد که این کلیسا را ویران کنند، چون می‌خواست کاخ عظیم و ۳۱۵ متری «شوراها» را به جای کلیسا بسازد و مجسمه‌ی ۱۰۰ متری لنین را هم نصب کند. اما طرح استالین، به دلیل مشکلات مهندسی و بافت زمین، هرگز عملی نشد. در عوض، این‌جا ۵۰ سال نقش بزرگ‌ترین استخر جهان را بازی می‌کرد. پس از فروپاشی شوروی، کلیسای جامع مسیح منجی را ظرف ۲ سال بازسازی کردند و ۸۵۰ سالگی مسکورا در آن جشن گرفتند.

- پارک گورکی

پارک گورکی، با همان پارک فرهنگ که هم فضای سبز دارد و هم سرگرمی‌های مدرن، بهترین‌جا برای فرار از هیاهوی مسکو است؛ پارکی در طول رود مسکو که رستوران‌ها و کافه‌های زیادی را هم در آن پیدا می‌کنید. این‌جا می‌توانید دوچرخه یا قایق کرایه کنید، سری به سینماتئاتر روباز پارک بزنید و از اینترنت وای‌فای رایگان هم استفاده کنید. زمستان‌ها هم در پیست پارک گورکی، مسابقه‌های پاتیناژ برگزار می‌کنند.

- تئاتر بُلشوی

تئاتر بُلشوی هم از آن جاهایی است که حیف است در مسکو باشید و سراغش نروید. این‌جا بهترین اپراها و باله‌های روسیه و شاید جهان را اجرا می‌کنند و گذراندن یک شب در این تئاتر تاریخی تجربه‌ای رمانتیک خواهد بود. یادتان باشد که بهتر است بلیتتان را از قبل بخرید و هیچ وقت هم سراغ بازار سیاو بلیت‌فروش‌های جلوی تئاتر نروید، چون ممکن است بلیت‌های نمایشی در سال گذشته را به شما قالب کنند.

غذا

در دوره‌ی کمونیستی، بیرون غذا خوردن توی مسکو به معنای خوردن یک وعده غذای ارزان و ساده در یک کافه‌تیریا یا گاهی خوردن غذایی معمولی در رستوران یک هتل بود. اما این روزها وضع کاملاً فرق کرده است. مسکو حالا پر است از رستوران‌های مجلل با غذاهای عالی و فضای خیره‌کننده. حالا می‌شود طعم غذاهای واقعا روسی را در رستوران‌های مسکو چشید و از غذا خوردن لذت برد. اگر هم از غذاهای سنگین روسی خسته شدید، می‌توانید سراغ رستوران‌های آسیایی، اروپایی و آمریکایی شهر بروید که بیشتر آن‌ها هم استانداردهای بین‌المللی را رعایت می‌کنند.

توی مسکو، غذای مناسب سلیقه و جیب‌تان را پیدا می‌کنید؛ در حالی که هزینه‌ی متوسط یک وعده غذا در رستوران‌های متوسط یا عالی بین ۳۰ تا ۲۰۰ دلار است، یک وعده غذای سرپایی در غذاخوری‌های استلُویا دورو بر ۳ دلار آپ می‌خورد. شعبه‌های این غذاخوری را معمولاً نزدیک ایستگاه‌های مترو و دیدنی‌های مهم شهر پیدا می‌کنید. بعضی رستوران‌های غیر زنجیره‌ای مسکو غذاهای دو سبک آشپزی (مثلاً اروپایی و قفقازی) را سرو می‌کنند، اما کیفیت غذای این رستوران‌ها اغلب چنگی به دل نمی‌زند و بهتر است دنبال رستورانی بگردید که در آشپزی یک منطقه حرفه‌ای است.

- کافه پوشکین

کافه پوشکین آمیزه‌ای هیجان‌انگیز از آشپزی فرانسوی و روسی را در فضایی دوست‌داشتنی و قرن نوزدهمی سرو می‌کند که یک کتاب‌خانه‌ی عالی هم دارد. (سبک آشپزی: روسی)

- میتینگ پلیس

یک کلاب رستوران عالی برای ملاقات و لذت بردن از غذاهای روسی که مشتری‌های ثابت زیادی دارد. پلمنی‌های متنوع این رستوران پر طرفدار هستند، اما بیشتر مشتری‌ها عاشق فضای راحت و اینترنت وای‌فای رایگانش می‌شوند. (سبک آشپزی: روسی)

- کافه مارگاریتا

این رستوران روسی با دیوارهایی پوشیده از قفسه‌های کتاب، محبوب جوانان تحصیل‌کرده‌ی مسکو است و گاهی هم شب‌ها برنامه‌های موسیقی زنده دارد. (سبک آشپزی: روسی)

- شینوک

فضای شینوک یادآور حال و هوای مزرعه‌های دهقانی اوکراین است. این‌جا با عالی‌ترین وارنیک‌ها (نسخه‌ی اوکراینی پلمنی) از مهمانانش پذیرایی می‌کند و محیطی شاد و دلنشین دارد. (سبک آشپزی: اوکراینی)

- دیسکوریا

این‌جا به خاطر خاچاپوری‌هایش (نان پیری گرجستان) مشهور است، اما با توجه به قیمت‌هایش، غذاهایی عالی دارد. (سبک آشپزی: گرجستانی)

- اسکاندیناویا

اگر از غذاهای روسی خسته شدید، بد نیست سری به این رستوران بزنید که با غذاهای اسکاندیناوی از شما پذیرایی می‌کند، علاوه بر منوی مفصل غذاهای اروپایی، این‌جا می‌توانید از انواع سالادها و ساندویچ‌ها هم لذت ببرید. (سبک آشپزی: اروپایی)

- سیمپل پلُزرز

سراشپزین رستوران آمریکایی است، اما در منوی آن غذاهایی از ایتالیا، اسپانیا و آمریکای جنوبی را هم پیدا می‌کنید. این‌جا فضایی راحت و ساده دارد و می‌توانید از تازگی مواد غذایی آن هم مطمئن باشید. (سبک آشپزی: آمریکایی، ایتالیایی، اسپانیایی)

- پانتچو ویا

این‌جا مشهورترین رستوران مکزیکی مسکو است و برای صبحانه هم عالی‌ترین بوریتوهای روسیه را سرو می‌کند. (سبک آشپزی: مکزیکی)

- ایسترن کوارتر

رستورانی با غذاهای عالی ازبکی که پاتوق ازبک‌های مسکو هم هست. از ما می‌شنوید پلوی این رستوران را حتما امتحان کنید: غذای ملی ازبک‌ها که با برنج و گوشت و سبزیجات تهیه می‌شود. (سبک آشپزی: ازبک)

- مه‌اراجه

قدیمی‌ترین رستوران هندی مسکو که تندترین غذاهای روسیه را در آن پیدا می‌کنید. اگر نخواهید گوشت بخورید، این‌جا انواع غذاهای خوشمزه‌ی گیاهی را هم پیدا می‌کنید. (سبک آشپزی: هندی)



شهر سن پترزبورگ



شهر سن پترزبورگ Saint Petersburg

محلی ها، خیلی ساده و خودمانی، به سن پترزبورگ می گویند «پیتتر». پیتتر قصه‌ی ما در عمر نسبتاً کوتاه ۳۰۰ ساله‌اش اسم‌های دیگری هم داشته است؛ اسم‌هایی مثل پتروگراد یا لنین‌گراد. این شهر، هر نامی که داشته، در همه‌ی این سال‌ها نقش مهمی در سرنوشت روسیه بازی کرده است و حالا یکی از زیباترین شهرهای روسیه، یا حتی جهان، است. شهری که تجسم رؤیای پتر کبیر است و بیشتر به موزه‌ای عظیم می‌ماند؛ کافی است مسیر رود نوا را در شهر دنبال کنید تا رشته‌ای از کاخ‌ها و ساختمان‌های قرن هجدهمی و قرن نوزدهمی از پیش چشمتان بگذرد؛ ساختمان‌هایی که مجموعه‌ی حیرت‌انگیزی از موزه‌ها و آثار هنری را در آن‌ها پیدا می‌کنید.

راستش را بخواهید، عجیب است که منطقه‌ای به این کوچکی خاستگاه بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنبش‌های هنری و فرهنگی روسیه و جهان باشد. اما واقعیت همین است. سن پترزبورگ زادگاه باله‌ی روسی، خانه‌ی غول‌هایی ادبی مثل پوشکین و داستایوسکی و موطن آهنگ‌سازی مثل شُستاکوویچ و راخمانیف است. این توان نوآوری و ابداع را می‌توانید در سبک‌های هنری جدید متداول در شهر و حتی در سبک آشپزی رستوران‌هایش هم ببینید. تنوع رستوران‌ها و قیمت و کیفیت غذاهای این شهر در روسیه بی‌نظیر است. این‌جا می‌توانید رستوران‌هایی با حال و هوای ویژه پیدا کنید، هزینه‌ای معقول بپردازید و غذایی عالی نوش جان کنید.

این شهر که زادگاه ولادیمیر پوتین هم هست، حالا دروازه‌ی اصلی تجارت روسیه و قلب صنایع نفت و گاز، کشتی‌سازی، هوافضا، رادیو و الکترونیک، نرم‌افزار و رایانه، خودروسازی، ترابری، پتروشیمی، تجهیزات پزشکی، چاپ و نشر، غذا و منسوجات روسیه است و نقش کانون فرهنگ و هنر کشور را هم بازی می‌کند.

اگر از گوشه‌ی جنوب شرقی سن پترزبورگ وارد شهر شوید و مسیر رود نوا را دنبال کنید، می‌بینید که اول به سمت شمال می‌رود، بعد به غرب تغییر جهت می‌دهد، در شهر چند شاخه می‌شود و جزیره‌هایی را به وجود می‌آورد که دلتا را تشکیل می‌دهند. دو شاخه‌ی اصلی رود، یعنی شاخه‌ی بولشایا یا بزرگ و مالایا یا کوچک، کنار کاخ زمستانی که در ساحل جنوبی رود است، از هم جدا می‌شوند و از دو طرف جزیره‌ی واسیلِیوسکی به دریا می‌ریزند. قلب سن پترزبورگ منطقه‌ای است که از کاخ زمستانی و ساختمان دریاسالاری در ساحل جنوبی رود به سمت -

خشکی کشیده شده است. در خیابان نوسکی که از این منطقه به طرف جنوب شرقی می‌رود، دیدنی‌ها، مغازه‌ها و رستوران‌های بسیاری را می‌بینید. نوسکی معروف‌ترین خیابان روسیه است و عمرش به اولین سال‌های تولد سن پترزبورگ برمی‌گردد. این‌جا حالا خیابانی شلوغ و پرترافیک است، اما قدم زدن در آن هنوز هم تجربه‌ای به یادماندنی است.

یونسکو مرکز تاریخی سن پترزبورگ و ساختمان‌هایش را در فهرست میراث جهانی قرار داده است. مهم‌ترین دیدنی‌های سن پترزبورگ را در همین منطقه‌ی شهر می‌بینید که از رود نوا و باغ‌های دریاسالاری در غرب تا رود فُنتانکا در شرق و جنوب آن کشیده شده است. خیابان نوسکی، شاهراه اصلی سن پترزبورگ، از میان این منطقه می‌گذرد و نزدیک‌ترین ایستگاه‌های مترو به این منطقه هم ایستگاه‌های خیابان نوسکی و گُستینی دُور هستند.

برای خرید در سن پترزبورگ، کافی است کمی توی خیابان نوسکی قدم بزنید تا هر چیزی را که می‌خواهید پیدا کنید. گُستینی دُور، یکی از قدیمی‌ترین بازارچه‌های سرپوشیده‌ی جهان، در طول این خیابان کشیده شده است و مغازه‌های رنگارنگش همه‌چیز می‌فروشند.

سن پترزبورگ آب و هوای مرطوب قاره‌ای دارد، اما تأثیر گردبادهای دریای بالتیک باعث می‌شود که تابستان‌هایش گرم، مرطوب و کوتاه و زمستان‌هایش سرد، مرطوب و طولانی باشند و در زمستان هم دوره‌هایی از گرمای نسبی را تجربه کند. یخ زدن سطح زمین در زمستان‌های سن پترزبورگ پدیده‌ای معمول است و بخش‌هایی از رود نوا هم که در محدوده‌ی شهر قرار دارند در ماه‌های نوامبر یا دسامبر یخ می‌زنند و در آوریل این یخ‌ها کم‌کم آب می‌شوند.

فرودگاه‌های پولکُووا و پولکُوو ۲ به ترتیب مبدأ/مقصد پروازهای داخلی و خارجی سن پترزبورگ هستند. بلیت‌های همه‌ی خطوط هوایی را هم می‌توانید از آژانس‌های مسافرتی یا دفتر مرکزی فروش بلیت هوایی بخرید که گیشه‌هایی هم برای فروش بلیت‌های بین‌المللی قطار و اتوبوس دارد. ایستگاه اُتوگُزال شماره‌ی ۲ توقفگاه اتوبوس‌های بین‌المللی و اروپایی سن پترزبورگ است و برای سفرهای ریلی هم می‌توانید از ایستگاه‌های لادُزسکی، مسکوسکی و ویتبسکی استفاده کنید.

سن پترزبورگ از آن شهرهایی است که کلی جاذبه و دیدنی برای بچه‌ها دارد.

دیدنی‌ها:

- موزه‌ی هرمیتاژ
- ساختمان ستاد عمومی
- کلیسای جامع سن ایزاک
- موزه‌ی روسیه
- خیابان نوسکی
- باغ و کاخ تابستانی
- ساختمان دریاسالاری
- صومعه‌ی الکساندر نوسکی
- موزه‌ی محاصره
- موزه‌ی داستایوسکی
- کاخ شرمیتف
- دژ پترو پل

در مورد سفر به روسیه سوالی دارید؟

بالبخت پاسخگوی شما هستیم

37237800

09157237800

اگر کودکی همراه دارید، بد نیست سری به موزه‌ی مردم‌شناسی و قوم‌شناسی یا موزه‌ی جانورشناسی بزنید و به باغ وحش و آکواریوم دلفین‌ها بروید. خیلی از پارک‌های سن پترزبورگ هم زمین‌ها و محوطه‌هایی برای بازی بچه‌ها دارند؛ مثل باغ موزه‌ی روسیه یا همان کاخ میخایلووسکی یا محوطه‌ی بازی رامسس که شک نکنید بچه‌ها عاشقشان می‌شوند.

چند توصیه:

۱. از ژوئن تا پایان اوت، می‌توانید با قایق‌های مسافربر رودخانه‌ای و از طریق رود نوا بین سن پترزبورگ و بعضی شهرهای روسیه، از جمله مسکو، رفت و آمد کنید. قیمت‌ها و برنامه‌های حرکت این قایق‌ها متفاوت هستند و بنابراین بهتر است برای خرید بلیت به آژانس‌های مسافرتی مراجعه کنید.

۲. در خیابان نوسکی و خیابان‌های دور و برش، صرافی‌های بسیاری را پیدا می‌کنید. بد نیست گشتی در این خیابان بزنید و قیمت‌های این صرافی‌ها را مقایسه کنید، تا کلاه سرتان نرود. خودپردازها را هم در ایستگاه‌های مترو، هتل‌ها، فروشگاه‌ها، دفاتر پست اصلی و کنار خیلی از خیابان‌ها می‌بینید. ۳. آب و هوای سن پترزبورگ مرطوب است و میانگین رطوبت به ۷۸ درصد می‌رسد. آسمان این شهر هم ۱۶۵ روز در سال تمام ابری است، بنابراین حتی اگر تابستان به سن پترزبورگ می‌روید، باید برای آب و هوایی مرطوب، ابری و حتی بارانی آماده باشید.

۴. موزه‌ی هرمیتاژ از بزرگ‌ترین گالری‌های هنری جهان است و مجموعه‌ی عظیم آثار هنری این موزه بیش از ۳ میلیون قطعه‌ی ارزشمند را در خود جای داده است که فقط بخشی از آن‌ها را می‌توانید ببینید. به دلیل وسعت ساختمان‌های موزه بهتر است از قبل تصمیم بگیرید که می‌خواهید سراغ کدام بخش‌ها بروید.

۵. سیستم عالی حمل و نقل سن پترزبورگ دسترسی آسان و ارزان به مناطق مختلف شهر را تضمین می‌کند، اما پیشنهاد می‌کنیم برای کشف بخش مرکزی شهر پیاده‌روی کنید، چون به این ترتیب جزئیاتی را می‌بینید که معمولاً از چشم سواره‌ها پنهان می‌مانند.

۶. تاکسی‌های رسمی سن پترزبورگ (سدانس ولگا‌های چهار در با نواری شطرنجی روی بدنه و یک چراغ سبز) تاکسی‌متر دارند، اما راننده‌ها گاهی از تاکسی‌متر استفاده می‌کنند و اغلب باید درباره‌ی کرایه با آن‌ها توافق کنید. البته توی سن پترزبورگ هم مسافرکش زیاد است و هر ماشینی ممکن است جلوی پایتان ترمز کند. یادتان باشد که حتماً پیش از سوار شدن، حتماً درباره‌ی قیمت توافق کنید تا بعداً کلاه سرتان نرود.

۷. بین ماه‌های مه تا سپتامبر، پشه‌ها کابوسی سن پترزبورگ هستند، بنابراین قرص‌های پشه‌کش یا پمادهای محافظتی یا هر چیز دیگری را که فکر می‌کنید در این جنگ تن به تن به کارتان می‌آید همراهتان داشته باشید.

۸. یادتان باشد که راننده‌های روس وحشیانه رانندگی می‌کنند، اما با این حال بیشترشان قبل از خطوط عابر پیاده‌ای که چراغ راهنمایی دارند می‌ایستند، پس برای عبور از خیابان این خطوط عابر پیاده را پیدا کنید.

۹. سعی کنید پول بیش از اندازه یا جواهرات غیرضروری همراهتان نباشد تا گرفتار زورگیرهایی که با سلاح گرم یا سرد برای گردشگران کمین می‌کنند نشوید. شب‌ها تا دیروقت توی خیابان نمانید و اگر به دلیلی ناچار شدید که دیروقت بیرون بروید، حتماً در خیابان‌های اصلی بمانید و وارد کوچه‌های تاریک نشوید.

۱۰. تا می‌توانید کاری کنید که گذارتان به ایستگاه مسکوسکی نیفتد، چون معروف است که پلیس‌هایش عادت دارند بهانه‌ای برای گیر دادن به مدارک مسافران خارجی پیدا کنند و از آن‌ها اخاذی کنند. البته دیروقت پرسه زدن در خیابان نوسکی هم می‌تواند شما را توی همین دام بیندازد.

تاریخچه

شهری که محلی‌ها، خودمانی و ساده، به‌ش «پیتر» می‌گویند، تاریخ درازی دارد و خیلی‌ها برای تسلط بر منطقه‌ی مردابی دهانه‌ی رود نِوا جنگیده‌اند. الکساندر در سال ۱۲۰۴ سوئدی‌ها را از این‌جا راند، اما این منطقه در قرن نوزدهم باز هم به دست سوئد افتاد، تا این‌که آرزوی پتر کبیر برای شکست دادن این رقیب قدیمی و تبدیل کردنِ روسیه به یک قدرت اروپایی باعث شد سوئدی‌ها را در جریان جنگ بزرگ شمال از منطقه بیرون کند و شهر سن‌پترزبورگ را بسازد.

پتر، بعد از گوش‌مالی دادن سوئدی‌ها، ساختن پترزبورگ را با کندن کانال‌هایی شروع کرد که آب زمین‌های باتلاقی ساحل جنوبی رود را زه‌کشی می‌کردند و در ۱۷۱۲ هم این شهر را پایتخت خودش کرد و دستور داد همه‌ی مقامات اداری، اشراف‌زادگان و بازرگانان به آن کوچ کنند. خیلی از دهقان‌ها را هم از دیگر مناطق روسیه این‌جا آوردند تا شهر را بسازند؛ هنوز هم معروف است که سن‌پترزبورگ را روی استخوان‌های این دهقان‌های بخت‌برگشته ساخته‌اند. وقتی پتر در ۱۷۲۵ مرد، جمعیت شهر ۴۰۰۰۰ نفر شده بود و منشاء ۹۰ درصد تجارت خارجی روسیه بود. جانشینان پتر پایتخت را به مسکو برگرداندند، اما وقتی آنا ایوونُنا در ۱۷۳۰ امپراتیس شد، دوباره سن‌پترزبورگ را پایتخت روسیه کرد. این شهر در دوره‌های حکومت الیزابت، کاترین کبیر و الکساندر اول به شهری بین‌المللی با درباری پر ریخت‌وپاش تبدیل شد. تزارها و امپراتیس‌ها کاخ‌ها، ساختمان‌های دولتی و کلیساهای بسیاری در این شهر ساختند و پترزبورگ کم‌کم یکی از باشکوه‌ترین پایتخت‌های اروپایی شد.

آزاد شدن سرفه‌ها در ۱۸۶۱ و صنعتی شدن باعث شد موجی از کارگران فقیر به شهر سرازیر شوند و سن‌پترزبورگ در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شاهد اعتصاب‌ها و اعتراض‌های سیاسی بود که بعضی از آن‌ها، مثل انقلاب ۱۹۰۵، خیلی‌ها را هم به کشتن دادند. در مارس ۱۹۱۷، اعتراض‌های کارگری و شورش‌های سربازان باعث سقوطِ تزار شدند و ۷ ماه بعد، حزب بلشویکِ لنین قدرت را به دست گرفت. لنین، که می‌ترسید آلمانی‌ها به سن‌پترزبورگ حمله کنند، در مارس ۱۹۱۸ باز هم مسکو را پایتختِ روسیه کرد. بعد از مرگ لنین در ۱۹۲۴ اسم شهر را به لنین‌گراد تغییر دادند و برنامه‌ی صنعتی شدن دهه‌ی ۱۹۳۰ هم باعث شد جمعیت این شهر در اواخر دهه‌ی ۱۹۳۰ به ۱/۳ میلیون نفر برسد. وقتی در ۱۹۴۱، آلمانی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم وارد روسیه شدند، فقط دو ماه و نیم طول کشید تا به دروازه‌های لنین‌گراد برسند. هیتلر قسم خورده بود که لنین‌گراد، زادگاه بلشویسم، را ویران کند و سربازهایش از ۸ سپتامبر ۱۹۴۱ تا ۲۷ ژانویه ۱۹۴۴ این شهر را محاصره کردند، اما لنین‌گرادی‌ها تسلیم نشدند و به دلیل همین مقاومتشان بعد از جنگ به لنین‌گراد لقب «شهر قهرمان» را دادند. با این حال، تلفات انسانی محاصره‌ی طولانی مدتِ لنین‌گراد چنان زیاد بود که جمعیتش تازه در دهه‌ی ۱۹۶۰ به تعداد جمعیت پیش از جنگ رسید.

لنین‌گراد در دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰کانون مخالفت با کمونیسم هم بود و جامعه‌ی هنری و فرهنگیش خیلی از برنامه‌هایی را که به مذاق حزب کمونیست خوش نمی‌آمد، زیرزمینی اجرا می‌کرد. وقتی هم که شوروی سقوط کرد، اسم این شهر را، بر اساس رأی شهروندانش، به سن‌پترزبورگ برگرداندند، هرچند منطقه‌ی اطراف شهر را هنوز لنین‌گرادسکایا می‌نامند.

در سال ۱۹۹۸، بقایای بدن‌های تزار نیکلاس دوم، همسرش، سه فرزند، پزشک و سه خدمتکارشان را که در جریان انقلاب بلشویکی اعدامشان کرده بودند، به سن‌پترزبورگ آوردند و آن‌ها را در کلیسای جامع سن پتر و سن پاول دفن کردند. در سال‌های اخیر، مقامات شهری با میلیون‌ها دلار هزینه سن‌پترزبورگ را به یکی از زیباترین شهرهای روسیه یا حتی اروپا تبدیل کرده‌اند. این شهر که زادگاه ولادیمیر پوتین هم هست، حالا دروازه‌ی اصلی تجارت روسیه و قلب صنایع نفت و گاز، کشتی‌سازی، هوافضا، رادیو و الکترونیک، نرم‌افزار و رایانه، خودروسازی، ترابری، پتروشیمی، تجهیزات پزشکی، چاپ و نشر، غذا و منسوجات روسیه است و نقش کانون فرهنگ و هنر کشور را هم بازی می‌کند.

حمل و نقل

فرودگاه‌های پولکُوو در حدود ۱۷ کیلومتری جنوب سن‌پترزبورگ قرار گرفته‌اند و سریع و ارزان، با مترو و اتوبوس، قابل دسترسی هستند. کافی است از هر جای شهر با مترو به ایستگاه مسکوسکایا بیایید و از آن‌جا با اتوبوس خط ۳۹ به پولکُوو یا با اتوبوس خط ۱۳ به پولکُوو۲ بروید. این مسیرها حدود ۲۰ روبل هزینه دارند و ۱۵ دقیقه هم طول می‌کشند. همچنین می‌توانید با اتوبوس یا مینی‌بوس‌های K3 از فرودگاه به میدان سِنایا یا با مینی‌بوس‌های K39 به میدان وُستانیا بروید. اگر بخواهید با تاکسی بین شهر و فرودگاه رفت و آمد کنید، باید حدود ۶۰۰ روبلپردازید و بعضی از راننده‌ها هم وقتی متوجه می‌شوند خارجی هستید، کرایه‌ی بیشتری می‌خواهند.

سیستم عالی حمل و نقل سن‌پترزبورگ دسترسی آسان و ارزان به مناطق مختلف شهر را تضمین می‌کند، اما پیشنهاد می‌کنیم برای کشف بخش مرکزی شهر پیاده‌روی کنید، چون به این ترتیب جزئیاتی را می‌بینید که معمولاً از چشم سواره‌ها پنهان می‌مانند.

بلیت اتوبوس، مینی‌بوس، تراموا و اتوبوس برقی را می‌توانید به قیمت ۱۰ تا ۱۵ روبل از داخل وسیله‌ی نقلیه بخرید. ایستگاه‌های اتوبوس را با تابلوهایی با حرف A، ایستگاه‌های اتوبوس برقی را با تابلوهای III و ایستگاه‌های تراموا را با حرف T مشخص کرده‌اند و معمولاً روی تابلوها شماره‌ی خطوط را هم نوشته‌اند. مینی‌بوس‌ها ایستگاه مشخصی ندارند و اگر می‌خواهید سوارشان شوید، باید دست تکان دهید. بیشتر وسایل نقلیه‌ی عمومی هم از ۶ صبح تا یک بعد از نیمه‌شب کار می‌کنند.

قیمت بلیت تک‌سفره‌ی مترو در سن‌پترزبورگ ۱۰ روبل است و خطوط مترو از ۵:۳۰ صبح تا نیمه‌شب کار می‌کنند. مترو سریع‌ترین وسیله برای رفت و آمد در سن‌پترزبورگ است و کم پیش می‌آید که بیش از ۳ دقیقه معطل رسیدنِ مترو شوید. برای صرفه‌جویی در هزینه و زمان، می‌توانید از بلیت‌های مغناطیسی استفاده کنید که ۱۵ یا ۶۰ روز اعتبار دارند و روس‌ها به آن‌ها «کارتا» می‌گویند. تاکسی‌های رسمی سن‌پترزبورگ (سدانس ولگاهای چهار در با نواری شطرنجی روی بدنه و یک چراغ سبز) تاکسی‌متر دارند، اما راننده‌ها گاهی از تاکسی‌متر استفاده می‌کنند و اغلب باید درباره‌ی کرایه با آن‌ها توافق کنید. البته توی سن‌پترزبورگ هم مسافرش زیاد است و هر ماشینی ممکن است جلوی پایتان ترمز کند. یادتان باشد که حتماً پیش از سوار شدن، حتماً درباره‌ی قیمت توافق کنید تا بعداً کلاه سرتان نرود.

آب و هوا

سن‌پترزبورگ آب و هوای مرطوب قاره‌ای دارد، اما تأثیر گردبادهای دریای بالتیک باعث می‌شود که تابستان‌هایش گرم، مرطوب و کوتاه و زمستان‌هایش سرد، مرطوب و طولانی باشند و در زمستان هم دوره‌هایی از گرمای نسبی را تجربه کند. متوسط حداقل دما در زمستان ۹ درجه زیر صفر است، هرچند دمای ۳۵ درجه زیر صفر را هم برای این شهر ثبت کرده‌اند. یخ زدنِ سطح زمین در زمستان‌های سن‌پترزبورگ پدیده‌ای معمول است و بخش‌هایی از رودِ نِوا هم که در محدوده‌ی شهر قرار دارند در ماه‌های نوامبر یا دسامبر یخ می‌زنند و در آوریل این یخ‌ها کم‌کم آب می‌شوند. به طور میانگین، سن‌پترزبورگ ۱۲۳ روز برفی در هر سال دارد که معمولاً بین ماه‌های دسامبر تا مارس توزیع شده‌اند. سن‌پترزبورگی‌ها بیشترین دمای سال را در ماه‌های ژوئیه و اوت تجربه می‌کنند، زمانی که هوا از ۲۰ درجه‌ی سانتی‌گراد گرم‌تر می‌شود.

سطح بارندگی سالانه‌ی شهر حدود ۶۰۰ میلی‌متر است و بیشترین بارش‌ها هم اواخر تابستان اتفاق می‌افتند. آب و هوای سن‌پترزبورگ مرطوب است و میانگین رطوبت به ۷۸ درصد می‌رسد. آسمان این شهر هم ۱۶۵ روز در سال تمام‌ابری است، بنابراین حتی اگر تابستان به سن‌پترزبورگ می‌روید، باید برای آب و هوایی مرطوب، ابری و حتی بارانی آماده باشید.

مراکز خرید

در سن پترزبورگ، کافی است کمی توی خیابان نوسکی قدم بزنید تا هر چیز را که می‌خواهید پیدا کنید.

- گُستینی دُور

گُستینی دُور یکی از قدیمی‌ترین بازارچه‌های سرپوشیده‌ی جهان است که آن را در اواسط قرن هجدهم ساخته‌اند. این بازارچه ۲۳۰ متر در طول خیابان نوسکی کشیده شده است و مغازه‌های رنگارنگش از ۱۰ صبح تا ۸ شب باز هستند.

- بازار سوغاتی

این بازارچه در خیابان نوسکی و روبه‌روی کلیسای منجی خون‌های ریخته‌شده قرار گرفته است و سوغاتی‌های جورواجور روسیه، مثل عروسک‌های تودرتوی ماترئوشکا، را می‌توانید از غرفه‌هایش بخرید. این بازار از ۱۰ صبح تا غروب باز است و فاصله‌ی زیادی هم با ایستگاه متروی خیابان نوسکی ندارد.

جشنواره‌ها و رویدادها

سن پترزبورگ با حسابی اهل جشن و خوش‌گذرانی هستند و به هر بهانه‌ای کارناوال و جشنواره راه می‌اندازند و آب و هوای سرد زمستان هم مانعشان نمی‌شود.

- فوریه

جشنواره‌ی باله‌ی مارینسکی
مهم‌ترین جشنواره‌ی نمایشی شهر که یک هفته طول می‌کشد و معمولاً در اواسط یا اواخر فوریه برگزارش می‌کنند.

- آوریل

جشنواره‌ی بین‌المللی سرگی کوریخین
این جشنواره‌ی آوانگارد سه روزه را در اواخر آوریل برگزار می‌کنند و بسیاری از هنرمندان بین‌المللی موسیقی مدرن در آن شرکت می‌کنند.

عید پاک

سن پترزبورگ با هم مثل همه‌ی مسیحی‌ها عید پاک، یا به قول روس‌ها پاکشا، را جشن می‌گیرند و به کلیسا می‌روند تا در مهم‌ترین مراسم مذهبی کلیسای ارتدکس روسیه شرکت کنند.

- مه

روز جهانی کارگر / جشنواره‌ی بهار
هرچند در مقایسه با دوران کمونیستی، رژه‌ها روز کارگر مختص‌تر و کم جمعیت‌تر شده‌اند، اما روز اول ماه مه هنوز هم از آن روزهای پر جنب و جوش شهر است و مخصوصاً کمونیست‌ها آن را حسابی جشن می‌گیرند.

روز پیروزی

سن پترزبورگ ۹ مه هر سال، نه فقط پایان جنگ جهانی دوم، بلکه شکست حصر شهرشان را هم جشن می‌گیرند که با رژه‌ی سربازان در خیابان نوسکی و آتش‌بازی شبانه روی رود نیوا به اوج می‌رسد.

روز شهر

۲۷ مه روز تولد سن پترزبورگ است و سن پترزبورگ‌ها هم که عاشق جشن و خوشی هستند، این بهانه را برای شادی کردن توی خیابان از دست نمی‌دهند.

- ژوئن

جشنواره‌ی فیلم سن پترزبورگ

هر سال در اواخر ژوئن سن پترزبورگ میزبان بهترین‌های سینمای روسیه و جهان است که برای شرکت در جشنواره‌ی فیلم این شهر به این‌جا می‌آیند.

- اوت

هفته‌ی قایق‌رانی

صدها قایق‌ران اواخر اوت هر سال به سن پترزبورگ می‌آیند تا در مسابقه‌ی قایق‌رانی ۱۵۰ کیلومتری ویبورگ سن پترزبورگ شرکت کنند.

- سپتامبر و اکتبر

جشنواره‌ی موسیقی کهن

این جشنواره‌ی موسیقی که از اواسط سپتامبر تا اوایل اکتبر طول می‌کشد، میزبان موسیقی‌دان‌هایی است که قطعه‌های فراموش‌شده‌ی دوره‌ی کاترین کبیر را اجرا می‌کنند.

- دسامبر و ژانویه

جشنواره‌ی زمستانه‌ی روسیه

جشنواره‌ی زمستانه را هر سال از ۲۵ دسامبر تا ۵ ژانویه برگزار می‌کنند و شاما برنامه‌های سرگرمی برای گردشگران، نمایش‌های سنتی عامیانه و انواع بازی‌ها می‌شود.



جاذبه های تفریحی و گردشگری سن پترزبورگ

یونسکو مرکز تاریخی سن پترزبورگ و ساختمان هایش را در فهرست میراث جهانی قرار داده است. مهم ترین دیدنی های سن پترزبورگ را در همین منطقه ی شهر می بینید که از رود نیوا و باغ های دریاسالاری در غرب تا رود فُنتانکا در شرق و جنوب آن کشیده شده است. خیابان نوسکی، شاهراه اصلی سن پترزبورگ، از میان این منطقه می گذرد و نزدیک ترین ایستگاه های مترو به این منطقه هم ایستگاه های خیابان نوسکی و گُستینی دُور هستند.

- موزه ی هرمیتاژ

موزه ی هرمیتاژ از بزرگ ترین گالری های هنری جهان است و بخش بزرگی از آن در ساختمان خیره کننده ی کاخ زمستانی قرار گرفته است. مجموعه ی عظیم آثار هنری این موزه بیش از ۳ میلیون قطعه ی ارزشمند را در خود جای داده است که فقط بخشی از آن ها را می توانید ببینید. به دلیل وسعت ساختمان های موزه یادتان باشد که کاخ زمستانی که فقط بخشی از موزه است ۱۰۵۷ اتاق و ۱۱۷ راه پله دارد بهتر است که از قبل تصمیم بگیرید که می خواهید سراغ کدام بخش ها بروید.

هرمیتاژ از پنج ساختمان متصل در طول دُورْتسُوا یای ساحلی تشکیل شده است. این ساختمان ها، از غرب به شرق، شامل کاخ زمستانی، هرمیتاژ کوچک، هرمیتاژهای قدیمی و جدید (که در مجموع آن ها را هرمیتاژ بزرگ هم می نامند) و تئاتر هرمیتاژ می شوند که البته ساختمان آخر را فقط برای برگزاری مراسم ویژه، مخصوصا کنسرت ها، به کار می گیرند. مجموعه ی آثار هنری موزه ی آرمیتاژ را در سه طبقه ی کاخ زمستانی و دو طبقه ی هرمیتاژهای کوچک و بزرگ به نمایش گذاشته اند. البته چند بخش جداگانه ی موزه هم در جناح شرقی ساختمان ستاد عمومی، کاخ منشیگف در جزیره ی واسیلیوسکی، کاخ زمستانی پتر اول و کارخانه ی چینی سازی لُئُتسُوا قرار گرفته اند که برای بازدید از آن ها باید جداگانه بلیت بخرید، مگر این که از بلیت های ۷۰۰ روبلی ۲ روزه ی معتبر برای همه ی مجموعه استفاده کنید.

کاخ زمستانی را در اواسط قرن هجدهم میلادی به دستور امپراتریس الیزابت ساختند و تا سال ۱۹۱۷ جزو اقامتگاه های خاندان سلطنتی بود. بعدتر، هرمیتاژ کوچک را کنار این کاخ برای کاترین کبیر ساختند تا گنجینه ی هنری پتر کبیر را در آن نگه دارد؛ البته خود کاترین هم این گنجینه را توسعه داد. عمر هرمیتاژ قدیمی هم به همین دوران برمی گردد، اما هرمیتاژ جدید را برای نیکلاس دوم ساختند تا گنجینه ی هنری رو به رشد تزارها را در آن ها جای دهند. تئاتر هرمیتاژ را هم معماری ایتالیایی در اواخر قرن هجدهم ساخت.

هرچند گنجینه ی هنری تزارهای روس گنجینه ای بی نظیر بود، اما وقتی که بلشویک ها پس از انقلاب ۱۹۱۷ مجموعه های هنری خصوصی ثروتمندان کشور را مصادره کردند و به هرمیتاژ آوردند، حجم این گنجینه ۳ برابر شد و به این ترتیب هرمیتاژ به یکی از بزرگ ترین موزه های هنری جهان تبدیل شد.

صف خرید بلیت موزه، مخصوصا در ماه های پر توریست بین مه و سپتامبر، معمولا بسیار طولانی است و ممکن است ناچار باشید یکی دو ساعتی در صف بایستید. بنابراین، شاید بهتر باشد که از خدمات خرید اینترنتی بلیت در وب سایت موزه استفاده کنید تا معطل نشوید. همچنین می توانید از تورهای موزه ی هرمیتاژ استفاده کنید که راهنماهایشان به زبان انگلیسی هم مسلط هستند.

- ساختمان ستاد عمومی

این ساختمان در جنوب میدان دُورْتسُوا یا قرار گرفته است و در اوایل قرن نوزدهم محل استقرار ستاد ارتش روسیه بوده است. ساختمان دو بلوک بزرگ کلاسیک دارد که اراهه ی پیروزی، یادبود پیروزی روس ها در جنگ های ناپلئونی، را روی طاق هایشان می بینید. بخشی از ساختمان را به نمایش مجموعه ی هرمیتاژ اختصاص داده اند که شامل اقلام هنری سبک هنر نو، هنرهای تزئینی سبک امپراتوری و بعضی آثار پستامپرسیونیستی می شوند.

- کلیسای جامع سن ایواک

کلیسای جامع سن ایواک را که گنبد طلاییش در افق سن پترزبورگ خودنمایی می کند درست در جنوب میدان دِکاْتْرِیْسْتف می بینید. فضای داخلی بسیار مجلل این کلیسا حالا موزه ای برای گردشگران است، اما هنوز هم در اعیاد بزرگ مذهبی، مراسم دعا و نیایش را در این کلیسا برگزار می کنند. معمار فرانسوی کلیسا آن را در سال ۱۸۱۸ طراحی کرده، اما ساختمان آن در سال ۱۸۵۸ به پایان رسیده است. اگر بخواهید به محوطه ی استوانه مانند گرداگرد گنبد بروید و شهر را از آن بالا تماشا کنید، باید علاوه بر خرید بلیت جداگانه، صابون بالا رفتن از ۲۶۲ پله را هم به تتان بزنید، البته، تماشای چشم انداز خیره کننده ی شهر به این زحمت می ارزد.

- موزه ی روسیه

کاخ میخایلوُسکی، که حالا به موزه ی روسیه تبدیل شده، یکی از عالی ترین مجموعه های هنری روسیه را در خود جای داده است. ساختمان کاخ را بین سال های ۱۸۱۹ تا ۱۸۲۹ برای دوک میخائیل، برادر الکساندر اول و نیکلاس اول، ساخته اند و الکساندر سوم آن را در سال ۱۸۹۵ به موزه تبدیل کرد. موزه شامل سه کاخ دیگر کاخ مرمر، قلعه ی میخایلوُسکی یا قلعه ی مهندسان و کاخ استرگائف هم می شود که به نمایشگاه های دائمی و موقت اختصاص دارند. اگر می خواهید همه ی این ساختمان ها را ببینید، می توانید یک بلیت ۲۴ ساعته ی ۶۰۰ روبلی بخرید.

- خیابان نوسکی

نوسکی معروف ترین خیابان روسیه است. این خیابان ۴ کیلومتری از دریاسالاری تا صومعه ی الکساندر نوسکی کشیده شده است، اما قطعه ای از آن که ۵/۲ کیلومتر طول دارد و به ایستگاه مسکوسکی می رسد، قلب حیات تجاری و تفریحی شهر است. عمر خیابان نوسکی به اولین سال های تولید سن پترزبورگ برمی گردد و در اوایل قرن بیستم به یکی از زیباترین و بزرگ ترین بولوارهای اروپا تبدیل شده بود. نوسکی حالا خیابانی شلوغ و پر ترافیک است، اما قدم زدن در آن هنوز هم تجربه ای به یادماندنی است. بسیاری از دیدنی های شهر را هم در امتداد همین خیابان خواهید یافت.

- باغ و کاخ تابستانی

باغ تابستانی، دوست داشتنی ترین پارک سن پترزبورگ، را با مجموعه ای از آب نماها و چند عمارت کلاه فرنگی، در دوران پتر کبیر و با تقلید از نقشه ی باغ کاخ ورسای فرانسه ساخته اند. با این که پارک از آن زمان تا امروز عوض شده، اما شکوهش را از دست نداده است. کاخ کوچک و دو طبقه ی تابستانی را هم در شمال شرقی همین پارک می بینید که اولین کاخ سن پترزبورگ به شمار می رود و آن را در سال های ۱۷۱۰ تا ۱۷۱۴ برای پتر کبیر ساخته اند.



- ساختمان دریاسالاری

مناره‌ی طلایی ساختمان قدیمی دریاسالاری در گوشه‌ی غربی میدان دُرتسُوایا یکی از نمادهای سن پترزبورگ است. این ساختمان، از ۱۷۱۱ تا ۱۹۱۷، مقر مرکزی نیروی دریایی روسیه بوده است و امروز هم بزرگ‌ترین کالج دریایی شهر را در خود جای داده است. ساختمان دریاسالاری، با ستون‌های سفید و حجاری‌ها و مجسمه‌های متعددش، نمونه‌ای عالی از سبک معماری کلاسیک امپراتوری روسیه است. باغ و آب‌نمای ساختمان هم، مخصوصا در تابستان، بسیار دل‌نشین هستند. ورود به این ساختمان برای مردم عادی ممنوع است، اما بد نیست اگر این نماد سن پترزبورگ را حداقل از بیرون ببینید.

- صومعه‌ی الکساندر نوسکی

از میدان الکساندرا نوسنگو در انتهای خیابان نوسکی می‌توانید وارد صومعه‌ی معروفی شوید که بسیاری از چهره‌های هنری روسیه را هم در آن دفن کرده‌اند. این صومعه را پتر کبیر در ۱۷۱۳ برای بزرگداشت الکساندر ساخت، چون به اشتباه فکر می‌کرد این‌جا جایی بوده که الکساندر در ۱۲۴۰ سوئدی‌ها را شکست داده است. صومعه حالا هم به کار خود ادامه می‌دهد، اما گردشگران هم می‌توانند در آن گشتی بزنند، البته به این شرط که شلوارک نپوشیده باشند. اگر بخواهید جز صومعه از بخش‌هایی مثل گورستان تیخوین، کلیسای بشارت یا کلیسای تثلیث هم دیدن کنید، باید برای هریک جداگانه بلیت بخرید.

- موزه‌ی محاصره

اگر اهل مطالعه‌ی تاریخ باشید، حتما ماجرای محاصره‌ی لنین‌گرا در سن پترزبورگ امروزی را در جنگ جهانی دوم می‌دانید. لنین‌گرادی‌ها موزه‌ی محاصره را سه ماه بعد از پایان محاصره‌ی شهر راه‌اندازی کردند تا قصه‌ی قربانیان و بازماندگان محاصره را روایت کند. البته استالین، در جریان سرکوپ حزب کمونیست این شهر، موزه را بست، رئیس موزه را کشت و خیلی از اقلام موزه را هم نابود کرد، اما موزه را در سال ۱۹۸۹ دوباره افتتاح کردند و حالا می‌شود یادگارهای آن سال‌های تلخ تاریخ سن پترزبورگ را این‌جا ببینید. یادتان باشد که اگر راهنمای انگلیسی‌زبان می‌خواهید، قبلا با موزه هماهنگ کنید.

- موزه‌ی داستایوسکی

داستایوسکی، نویسنده‌ی بزرگ روس، همه‌ی عمرش را در سن پترزبورگ گذراند و شاهکارهایی مثل برادران کارامازف را در خانه‌ای نوشت که حالا به موزه‌ی داستایوسکی تبدیلش کرده‌اند. خانه را درست همان طوری که در زمان مرگ داستایوسکی در ۱۸۸۱ بود حفظ کرده‌اند و دیدنش خالی از لطف نیست.

- کاخ شِرمیتیف

کاخ شرمیتیف، با دروازه‌های آهنی عظیمش، به رود فُنتانکا مشرف است و دو موزه‌ی کوچک دل‌نشین را در خود جای داده است. موزه‌ی موسیقی مجموعه‌ای از سازهای قرن‌های نوزدهم و بیستم را نمایش می‌دهد و گاهی هم کنسرت‌هایی در این موزه برگزار می‌کنند. در یک جناح جداگانه‌ی کاخ هم، که باید از خیابان لیتینی واردش شوید، موزه‌ی آنا آخماثوا، شاعر بزرگ اوایل قرن بیستم، را پیدا می‌کنید که دیدنش خالی از لطف نیست.

- دژ پترو پل

دژ پترو پل از آن جاهایی است که پیشنهاد می‌کنیم حتما ببینید. عمر دژ به سال ۱۷۰۳ برمی‌گردد و قدیمی‌ترین ساختمان سن پترزبورگ است. هرچند دژ را برای دفاع در برابر حمله‌های نظامی ساخته بودند، اما تا سال ۱۹۱۷ فقط یک زندان سیاسی بود و چهره‌های معروفی مثل داستایوسکی، گورکی، تژتسکی و الکساندر، برادر بزرگ ترلنین، در آن زندانی بوده‌اند.

کلیسای جامع سن پترو و سن پل هم که مناره‌ی ۱۲۲ متری طلایی‌رنگش را از همه‌جای شهر می‌بینید در همین دژ بزرگ قرار گرفته است. بیشتر حاکمان دوره‌ی پیش از انقلاب کمونیستی روسیه را، از زمان پتر کبیر به بعد، در ساختمان باروک همین کلیسا دفن کرده‌اند.

البته دیدنی‌های دژ فقط به کلیسای جامعش محدود نمی‌شوند؛ شما می‌توانید در داخل ساختمان خانه‌ی فرمانده، نمایشگاه تاریخ سن پترزبورگ را ببینید، از تماشای مجموعه‌های هنرهای تزئینی خانه‌ی مهندسان لذت ببرید و به موزه‌ی فن‌آوری‌های ستاره‌شناسی و موشکی و زندان تروپتسکوی هم سری بزنید.

غذا

توی سن پترزبورگ، اصلا نگران غذا نباشید. تنوع رستوران‌ها و قیمت و کیفیت غذاهای این شهر در روسیه بی‌نظیر است. این‌جا می‌توانید رستوران‌هایی با حال و هوای ویژه پیدا کنید، هزینه‌ای معقول بپردازید و غذایی عالی نوش جان کنید.

- فاشل

توی این کافه‌ی شیک مینی‌مالیستی سبک روسی می‌توانید غذاهای مدرن روسیه را امتحان کنید. فُرشماک (سالاد شاه‌ماهی) و پن‌کیک‌های سیب‌زمینی سرخ‌کرده‌ی فاشل را هم از دست ندهید. (سبک غذا: روسی)

- تَندوری ناپیز

این‌جا بهترین رستوران هندی سن پترزبورگ است و غذاهای سنتی و مدرن هندی را سرو می‌کند. اگر گیاه‌خوارید یا نمی‌خواهید گوشت بخورید، می‌توانید مطمئن باشید که غذاهای گیاهی این‌جا راضیتان می‌کنند. (سبک غذا: هندی)

- سوکاواتی

سوکاواتی، اولین رستوران اندونزیایی روسیه، با فضای سنتی و غذاهای خوشمزه‌اش بین سن پترزبورگی‌ها حسابی طرف‌دار دارد. این‌جا هم می‌توانید از غذاهای گیاهی بی‌نظیر لذت ببرید. ناهار کاری این‌جا هم، با توجه به قیمتش، عالی است. (سبک غذا: اندونزیایی)

- پارک جوزپه

این‌جا یک رستوران ایتالیایی عالی دو طبقه است که تابستان‌ها هم می‌توانید در فضای باز بیرونی آن غذا بخورید. پاستاها و پیتزاهای پارک جوزپه واقعا خوشمزه‌اند. (سبک غذا: ایتالیایی)

- جین‌نوتاکي

این رستوران بزرگ ژاپنی یکی از اصیل‌ترین رستوران‌های سن پترزبورگ است که با انواع غذاهای عالی از مشتریان پذیرایی می‌کند. (سبک غذا: ژاپنی)

- کاروان‌سرای

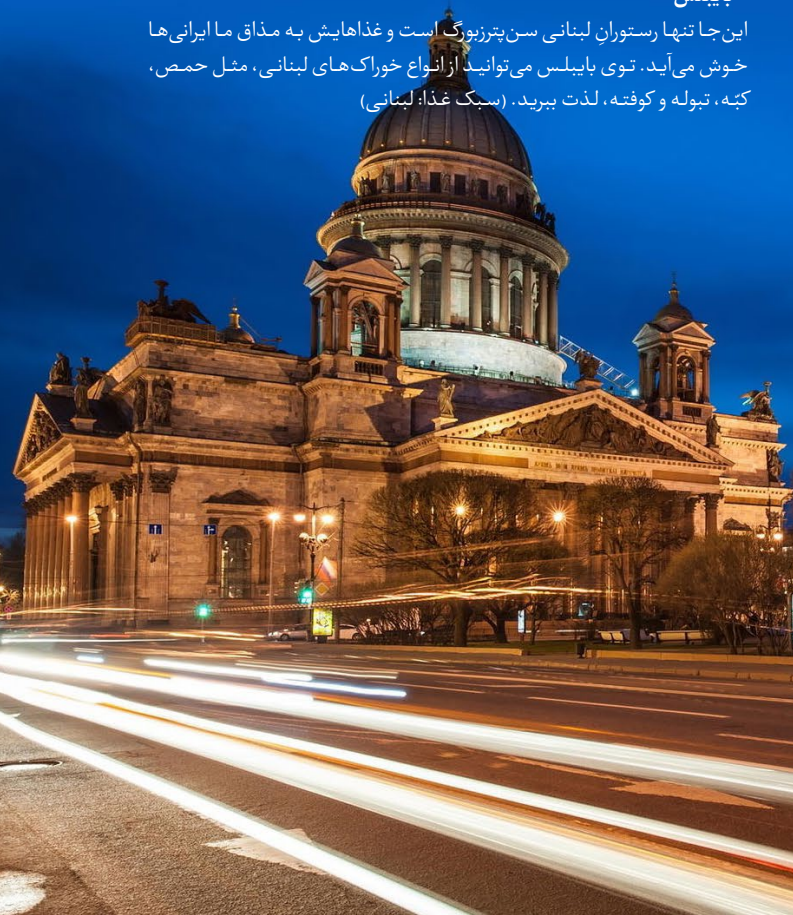
در کاروان‌سرای می‌توانید عالی‌ترین غذاهای ازبکستان را نوش جان کنید و با حال و هوای آسیای مرکزی آشنا شوید. (سبک غذا: ازبک)

- نیگَلای

ساختمان این رستوران سنتی روسی را از چوب ساخته‌اند و در آن می‌توانید از غذاهای خوشمزه، خوب و به‌صرفه لذت ببرید. (سبک غذا: روسی)

- بایبِلِس

این‌جا تنها رستوران لبنانی سن پترزبورگ است و غذاهایش به مذاق ما ایرانی‌ها خوش می‌آید. توی بایبلس می‌توانید از انواع خوراک‌های لبنانی، مثل حمص، کُبه، تبوله و کوفته، لذت ببرید. (سبک غذا: لبنانی)



شهر نیژنی نووگورود



شهر نیژنی نووگورود Nizhny Novgorod

برسد. ایستگاه‌های اتوبوس و قطار شهر را هم کنار یکدیگر در ساحل غربی رود آکا می‌بینید.

نیژنی نووگورود آب و هوای مرطوب و قاره‌ای دارد؛ آب و هوایی شبیه مسکو اما با زمستان‌هایی کمی سردتر. زمستان‌های شهر از اواخر نوامبر تا اواخر مارس طول می‌کشند و معمولاً در این ماه‌ها نیژنی نووگورود پوشیده از برف است.

فروگاه بین‌المللی نیژنی نووگورود در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی مرکز و شهر است و پروازهایی از/به شهرها و کشورهای مختلف دارد که برنامه‌ها و بلیت‌هایشان را می‌توانید از آژانس‌های مسافرتی شهر تهیه کنید. البته از نیژنی نووگورود می‌توانید با اتوبوس یا قطار هم به شهرهای دیگر دسترسی داشته باشید.

این شهر ۲ خط مترو دارد که در ایستگاه مسکوسکایا با هم تلاقی می‌کنند. خط یک متروی شهر از بوروستنیک شروع می‌شود و خط ۲ هم از پارک کولتوری. شبکه‌ی تراموای نیژنی نووگورود هم از ۱۸۹۶ تا کنون فعال است و ۳۰ خط در سراسر شهر دارد. همچنین، ۲۵ خط اتوبوس برقی به اهالی شهر و گردشگران خدمات می‌دهند. نیژنی نووگورود حدود ۸۰ خط اتوبوس دولتی و ۸۰ خط مینی‌بوس خصوصی هم دارد که خیالتان را بابت رفت و آمد در شهر راحت می‌کنند.

چند توصیه:

۱. اگر گرفتار ترافیک نشوید، با تاکسی ظرف ۳۰ تا ۴۰ دقیقه از مرکز شهر به فرودگاه می‌رسید که حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ روبل خرج بر می‌دارد. اتوبوس‌های خطوط ۱۱، ۲۰، ۲۹ و تی ۴۶ هم شما را با حدود ۲۰ روبل بین مرکز شهر و فرودگاه جابه‌جا می‌کنند.

۲. یادتان باشد که ایستگاه قطار شهر هنوز نام قدیمی ایستگاه گورکی مسکوسکی را حفظ است و در بیشتر جدول‌های برنامه‌ی حرکت هم اسمش را «گورکی» می‌نویسند. بنابراین، اگر بلیتی به مقصد نیژنی نووگورود خریدید و اسم ایستگاه گورکی را روی آن دیدید گیج نشوید.

۳. توی نیژنی نووگورود، با هر وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی‌ای جز تاکسی که رفت و آمد کنید، باید حداکثر یک ایستگاه بعد از سوار شدن کرایه‌تان را بدهید. تقریباً همه‌ی ترامواها و اتوبوس‌های برقی و نیمی از اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها یک متصدی بلیت دارند که می‌توانید بلیتتان را از او بخرید، اما اگر خبری از متصدی نبود باید پول کرایه را به راننده بدهید و البته بهتر است پول خرد همراهتان -

بعضی‌ها نیژنی نووگورود را پایتخت سوم روسیه می‌نامند، اما راستش را بخواهید این شهر خیلی کم‌تر از مسکو یا سن‌پترزبورگ حال و هوای بین‌المللی دارد. با این حال، دیدن کرملین باستانی نیژنی نووگورود در ساحل رود ولگا و پیاده‌راه دل‌نشین و زیبایش به زحمت سفر می‌آرزد.

این شهر، در میانه‌های قرن نوزدهم، پایتخت تجاری امپراتوری روسیه بود و صنعتش حسابی رونق داشت. کرجی‌های تجاری در ساحل رود پهلوی می‌گرفتند و تجارت می‌کردند و این بازار شناور جذاب را حالا هم می‌شود در مناطقی مثل یارمارکا دید. اهمیت تجاری این شهر در قرن نوزدهم چنان بود که می‌گفتند «سن‌پترزبورگ سرروسیه است، مسکو قلبش و نیژنی نووگورود هم کیف پولش». در دوره‌ی اتحاد جماهیر شوروی، اسم این شهر را به احترام ماکسیم گورکی، نویسنده‌ای که در آن به دنیا آمده بود، گورکی گذاشته بودند. آن سال‌ها، نیژنی نووگورود مرکز صنایع نظامی شوروی بود و به همین دلیل حکومت کمونیستی به حضور خارجی‌ها توی شهر روی خوش نشان نمی‌داد. اما در همیشه روی یک پاشنه نمی‌چرخد و حالا نیژنی نووگورود باز هم درهانش را به روی دنیا باز کرده و قرار است بعضی بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را توی این شهر برگزار کنند. در سال‌های اخیر، صنعت فن‌آوری اطلاعات روسیه هم در این شهر متمرکز شده است و صنایع مهندسی نیژنی نووگورود به روزهای اوج برگشته‌اند.

نیژنی نووگورود در ساحل جنوبی رود ولگا قرار گرفته است. رود آکا هم از میان شهر می‌گذرد و آن را به دو منطقه‌ی شهر علیا در ساحل تپه‌ای سمت راست و شهر سفلی در ساحل سمت چپ تقسیم می‌کند. شهر علیا که در واقع بخش تاریخی و قدیمی نیژنی نووگورود است شامل سه محله‌ی نیرژگودسکی (بخش تاریخی مرکزی به علاوه منطقه‌ای در ساحل ولگا)، پریشسکی (در کنار رود آکا) و شوئسکی می‌شود و شهر سفلی که بزرگ‌تر است و بافتی صنعتی دارد محله‌های کاناوینسکی، شرموسکی، اوژناؤدسکی، مسکوسکی و لنینسکی را در خود جای داده است.

کرملین این شهر را در ساحل شرقی آکا ساخته‌اند که به خاطر مرتفع بودنش به ولگا هم مشرف است. کنار دیوار جنوبی کرملین، خیابان‌های اصلی شهر را می‌بینید که از میدان مینی‌ای ئیزارسکگو منشعب می‌شوند. پیاده‌راه دل‌نشین بلشایا پکژوسکایا هم از همین میدان به سمت جنوب می‌رود تا به میدان گُرگکو

باشد.

۴. یادتان باشد که مینی‌بوس‌ها ایستگاه‌های خاصی ندارند، بنابراین برای سوار شدن به آن‌ها باید دست تکان دهید و برای پیاده شدن هم دکمه‌ی بالای در را بزنید.

دیدنی‌ها

- مجموعه‌ی کرم‌لین
- موزه‌ی ساخارف
- موزه‌های گورکی
- موزه‌ی معماری ولگای سفلی
- کلیساها و صومعه‌های شهر
- صومعه‌ی ماکارِف

تاریخچه

نیژنی نووگورود را دوک یوری دوم در سال ۱۲۲۱ ساخت و وقتی چند سال بعد، مغول‌ها به روسیه حمله کردند، این‌جا هم، مثل مسکو و تور، به دلیل نوپا و کم‌اهمیت بودن از شر مغول‌ها در امان ماند. اما شهر کم‌کم رشد کرد، قدرت گرفت و بالاخره در اواسط قرن چهاردهم میلادی مرکز ایالت سوزدال شد و حاکمان شهر که می‌خواستند نیژنی نووگورود را به رقیبِ مسکو تبدیل کنند، قلعه‌ای سنگی و چند کلیسا در آن ساختند. با این حال، شهر در اواخر قرن چهاردهم جزو محدوده‌ی دوک‌نشین بزرگ مسکو شد و شاهزاده‌های شهر هم برای زندگی به مسکو رفتند. با این‌که در سال ۱۴۰۸ تاتارها نیژنی نووگورود را آتش زدند، اما شهر دوباره جان گرفت و یکی از مراکز مهم جنگیِ روس‌ها در برابر تاتارها شد. یک قرن بعد، کرم‌لینی بزرگ در نیژنی نووگورود ساختند که آن‌قدر قوی بود که بتواند در برابر حمله‌های مجدد تاتارها در ۱۵۲۰ و ۱۵۳۶ مقاومت کند.

وقتی بالاخره سال‌های جنگ و بدبختی تمام شدند، نیژنی نووگورود کم‌کم به کانون تجارت در روسیه تبدیل شد و استرگانف‌ها که بزرگ‌ترین خاندان بازرگان روسیه بودند این شهر را مرکز فعالیت‌هایشان کردند. تأثیر استرگانف‌ها بر نیژنی نووگورود چنان قوی بود که در قرن‌های نوزدهم و بیستم سبک معماری و شمایل‌نگاریِ ویژه‌ای به نام سبک استرگانف در شهر رایج شد.

در میانه‌های قرن نوزدهم، نیژنی نووگورود دیگر پایتختِ تجاری امپراتوری روسیه شده بود و صنعتش حساسی رونق داشت. در همه‌ی این سال‌ها، کرجی‌های تجاری در ساحل رود پهلو می‌گرفتند و تجارت می‌کردند. این بازار شناور جذاب را حالا هم می‌شود در مناطقی مثل یارمارکا دید. اهمیت تجاری این شهر در قرن نوزدهم چنان بود که می‌گفتند «سن‌پترزبورگ سرِ روسیه است، مسکو قلبش و نیژنی نووگورود هم کیف پولش».

در دوره‌ی اتحاد جماهیر شوروی، اسم این شهر را به احترام ماکسیم گورکی، نویسنده‌ای که در آن به دنیا آمده بود، گورکی گذاشته بودند. در آن سال‌ها، نیژنی نووگورود مرکز بسیاری از صنایع مرتبط با صنایع نظامی بود و به همین دلیل حکومت‌کمونستی به حضور خارجی‌ها توی شهرروی خوش نشان نمی‌داد و تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ به بهانه‌های امنیتی حتی به نقشه‌های نیژنی نووگورود هم اجازه‌ی چاپ نمی‌دادند. نیژنی نووگورود، یا گورکیِ آن روزها، برای چند دهه شهری منزوی بود و حتی در دهه‌ی ۱۹۸۰ مخالفان سیاسی، مثل آندری ساخارفِ فیزیک‌دان، را به این شهر تبعید می‌کردند.

اما در همیشه روی یک پاشنه نمی‌چرخد و حالا نیژنی نووگورود باز هم دره‌ایش را به روی دنیا باز کرده و قرار است بعضی بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را توی این شهر برگزار کنند. در سال‌های اخیر، صنعت فن‌آوری اطلاعات روسیه هم در این شهر متمرکز شده است و صنایع مهندسی نیژنی نووگورود به روزهای اوج برگشته‌اند.

حمل و نقل

اگر گرفتارِ ترافیک نشوید، با تاکسی می‌توانید ظرف ۳۰ تا ۴۰ دقیقه از مرکز شهر به فرودگاه بین‌المللی نیژنی نووگورود برسید که حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ روبل خرج بر می‌دارد. اتوبوس‌های خطوط ۱۱، ۲۰، تی ۲۹ و تی ۴۶ هم شما را با حدود ۲۰ روبل بین مرکز شهر و فرودگاه جابه‌جا می‌کنند.

توی نیژنی نووگورود، با هر وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی‌ای جز تاکسی که رفت و آمد کنید، باید حداکثر یک ایستگاه بعد از سوار شدن کرایه‌تان را بدهید. تقریباً همه‌ی ترامواها و اتوبوس‌های برقی و نیمی از اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها یک متصدی بلیت دارند که می‌توانید بلیتتان را از او بخرید، اما اگر خبری از متصدی نبود باید پول کرایه را به راننده بدهید و البته بهتر است پول خرد همراهتان باشد.

نیژنی نووگورود ۲ خط مترو دارد که در ایستگاه مسکوسکایا با هم تلاقی می‌کنند. خط یک متروی شهر از بوروستنیک شروع می‌شود و خط ۲ هم از پارک کولتوری. این دو خط از ساعت ۵: ۱۵ صبح تا نیمه‌شب فعال هستند و قیمت بلیت تک‌سفره‌ی مترو هم ۱۶ روبل است.

شبکه‌ی تراموای نیژنی نووگورود از ۱۸۹۶ تا کنون فعال است و ۳۰ خط در سراسر شهر دارد. ۲۵ خط اتوبوس برقی هم به اهالی شهر و گردشگران خدمات می‌دهند. نیژنی نووگورود حدود ۸۰ خط اتوبوس دولتی و ۸۰ خط مینی‌بوس خصوصی دارد. یادتان باشد که مینی‌بوس‌ها ایستگاه‌های خاصی ندارند، بنابراین برای سوار شدن به آن‌ها باید دست تکان دهید و برای پیاده شدن هم دکمه‌ی بالای در را بزنید.

آب و هوا

نیژنی نووگورود آب و هوای مرطوب و قاره‌ای دارد؛ آب و هوایی شبیه مسکو اما با زمستان‌هایی کمی سردتر. زمستان‌های شهر از اواخر نوامبر تا اواخر مارس طول می‌کشند و معمولاً در این ماه‌ها نیژنی نووگورود پوشیده از برف است. میانگین دمای شهر هم از ۱۹ درجه‌ی سانتی‌گراد در ژوئیه تا ۹ درجه‌ی سانتی‌گراد زیر صفر در ژانویه نوسان دارد.

مراکز خرید

- **مگا**

مرکز خرید اصلی شهر که در سال ۲۰۰۶ کارش را شروع کرده و در میان ۱۶۰ مغازه‌اش نام چند برندِ جهانی را هم می‌بینید. مگا در حومه‌ی جنوبی شهر است؛ درست کنار جاده‌ای که به کازان می‌رود. اتوبوس‌های رایگانی هم از چند نقطه‌ی شهر شما را به این مرکز خرید می‌برند.

- **فنتاستیکا**

مرکز خرید بزرگی در شماره‌ی ۱۷۸ خیابان رُدیُئُف

- **ال پی فشن گالری**

تنها مرکز خرید مرکز شهر که در شماره‌ی ۱۶/۱۰ خیابان الکسیُوسکایا قرار گرفته است.

- **رِسپوبلیکا**

مرکز خرید بزرگی درست روبه‌روی ایستگاه مسکوسکی- پارک فینیکس

جاذبه های تفریحی و گردشگری نیژنی نووگورود

- مجموعه ی کرملین

دیوارهای ستبر کرملین و یازده برجش را در قرن شانزدهم میلادی ساخته‌اند. این استحکامات را گاهی در معرض نمایش عمومی قرار می‌دهند و بیشتر ساختمان‌های کرملین حالا دفاتر دولتی هستند، اما کلیسای کوچک و قرن هفدهمی حضرت میکائیل (ساعت کار: ۹ صبح تا ۲ ظهر) هنوز هم کلیسایی فعال است. پشت کلیسا، جایی نزدیک یادبود قهرمانان جنگ جهانی دوم، مشعلی را می‌بینید که قرن‌هاست خاموش نشده است و در شمال شرقی مجموعه هم موزه‌ی دولتی هنر نیژگودسکی را پیدا می‌کنید که قدیم‌ترها خانه‌ی فرماندار شهر بوده است.

- موزه‌ی ساخارف

حکومت کمونیستی شوروی آندری ساخارف، فیزیک‌دان بزرگ مخالف دولت و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، را به نیژنی نووگورود تبعید کرده بود و موزه‌ی ساخارف هم داستان زندگی این شخصیت را روایت می‌کند. موزه را در آپارتمان محل زندگی ساخارف و همسرش ساخته‌اند و دیدنش خالی از لطف نیست.

- موزه‌های گورکی

توی شهری که خانه‌ی گورکی و زمانی هم نامش بوده است، بدیهی است که موزه‌ای هم باید برای گورکی وجود داشته باشد. در واقع توی نیژنی نووگورود همه‌ی خانه‌هایی را که گورکی در آن‌ها زندگی یا کار می‌کرده، به موزه تبدیل کرده‌اند، اما کامل‌ترین موزه جایی است که محل زندگی گورکی در دهه‌ی ۳۰ سالگی بوده و حالا اسمش را «موزه‌ی گورکی» گذاشته‌اند. البته موزه‌ای به اسم «خانه‌ی گورکی» هم هست که این نویسنده‌ی روس سال‌های کودکی‌اش را در آن گذرانده است. اگر شیفته‌ی گورکی هستید و این دو موزه برایتان کافی نیستند، می‌توانید سری هم به «موزه‌ی ادبیات گورکی» بزنید.

- موزه‌ی معماری ولگای سفلی

این موزه‌ی روباز، گذشته از فضایی سرسبز و جنگلی، مجموعه‌ای از ساختمان‌های سنتی چوبی را هم در خود جای داده است. بهترین ساختمان این مجموعه کلیسای پکروسکایاست که عمرش به سال ۱۷۳۱ برمی‌گردد.

- کلیساهای و صومعه‌های شهر

چشم‌انداز نیژنی نووگورود پر است از گنبد‌های پیازی شکل و مناره‌های طلایی کلیساهایی که تاریخ غنی شهر را به یاد می‌آورند. صومعه‌ی قرن سیزدهمی بشارت، بالای خیابان چرینگوسکایا، قدیمی‌ترین کلیسای شهر است، اما باز نیست؛ صومعه‌ی قرن هفدهمی پچرسکی هم که به ولگا مشرف است، همین‌طور، اما در عوض می‌توانید به کلیسای قرن هفدهمی صعود مریم در خیابان ایلینسکایا بروید و معماری بی‌ظنیر این کلیسای چوبی را ببینید. کلیسای سبک باروک استرگانیف یا تولد عیسی در خیابان ژودسئونسکایا هم سنگ‌تراشی‌های خیره‌کننده‌ای دارد. در ساحل غربی رود آکا، کلیسای باشکوه نوسکی را در خیابان استرلکا و کلیسای جامع بازار قدیمی منجی را هم در خیابان پتانکورا پیدا می‌کنید که درست پشت یارمارگا، تالار نمایشگاهی زیبای شهر در میدان لنینا، قرار گرفته‌اند.

- صومعه‌ی ماکارف

روستای آرام ماکاروو در ۶۰ کیلومتری شرق نیژنی نووگورود، در ساحل ولگا، قرار گرفته است و منظره‌ی دیوارهای سنگی و گنبد‌های کلیساهای صومعه‌ی ماکارف در این روستا خیره‌کننده است. صومعه و روستا را در سال ۱۴۵۳ ساخته‌اند، اما صومعه در دوران حکومت کمونیستی تعطیل شده بود. حالا صومعه را بازسازی کرده‌اند و ۴ کلیسای فعال دارد، هرچند فقط ۲۰ راهبه در آن زندگی می‌کنند. روستای کم‌جمعیت و خلوت صومعه پر است از خانه‌های چوبی دهقانی و البته یک موزه هم در مدرسه‌اش دارد. اگر دوست دارید روستا و صومعه‌اش را ببینید، می‌توانید صبح با قایق از نیژنی نووگورود به روستا بیایید (۱۲۵ روبل، ۳ ساعت و نیم راه) و شب هم با همان قایق‌ها به شهر برگردید. البته بهتر است غذایتان را همراه بیاورید، چون رستورانی توی روستا نیست.



غذا

- انگلیش اِمبسی

رستورانی با حال و هوای غذاخوری های سنتی انگلستان با غذاهایی متنوع؛ از استیک و تخم مرغ صبحانه گرفته تا رست بیف و پودینگ شام و ماهی و چیپس آخر شب.

سبک غذا: انگلیسی

نشانی: روزدینکا، شماره ی ۱۲

- گُرد گورکی

از چند رستوران یادگار دوران شوروی، گُرد گورکی از همه شیک تر و جالب تر است. غذای این جا هم عالی است و قیمتش هم مناسب است.

سبک غذا: روسی

نشانی: پُلشایا پُکروسکایا، شماره ی ۳۰

- میشل

کافه ای با قهوه های خوش طعم که انواع سوپ، ساندویچ و غذاهای ابداعی فرانسوی را هم در منوی آن پیدا می کنید.

سبک غذا: فرانسوی

نشانی: پُلشایا پُکروسکایا، شماره ی ۶

- بار پُچکا

یک غذاخوری سنتی گرجی با فضایی تاریک و شلیک های عالی.

سبک غذا: گرجی

نشانی: پُلشایا پُکروسکایا، شماره ی ۱۴

- مکزیکن استادیز

رستورانی واقعا مکزیکي با انواع خوراک های تند لوبیا، بوریتو، فاهیتا و ایمپانادا که درست روبه روی کرملین قرار گرفته است.

سبک غذا: مکزیکي

نشانی: مینینای پُژارسکگو، شماره ی ۲

- پُنتو پاپا

کافه تریایی ارزان و مشرف به رود

سبک غذا: سرپایی

نشانی: ورخنه وُلزسکایا

- برادوی پیتزا

ایستگاهی عالی برای ته بندی آخر شب

سبک غذا: فست فود

نشانی: پُلشایا پُکروسکایا، شماره ی ۳۱

مجری حرفه ای تور روسیه

آژانس ارمغان آفاق ایرانیا ن

09157237800

05137237800



شهر سوچی



شهر سوچی Sochi

سوچی امروزی، چندهزار سالی، خانه‌ی قبایل کوه‌نشین قفقاز بود و امپراتوری روسیه، در اوایل قرن نوزدهم و بعد از جنگی با امپراتوری عثمانی، بر آن مسلط شد. اما سوچی امروزی، که یک شهر تفریحی مدرن است، اوایل قرن بیستم به دنیا آمد؛ زمانی که اولین حمام آب معدنی را در این شهر ساختند و بعدتر استراحتگاه «ریویرای قفقاز» را افتتاح کرده‌اند. انقلاب بلشویکی درست وقتی اتفاق افتاد که سوچی داشت یک شهر تمام‌عیار می‌شد و تازه از طریق راه‌آهن به بقیه‌ی روسیه متصل شده بود، اما اولین قطارهای این خط حدود شش سال بعد راه افتادند، یعنی وقتی که بلشویک‌ها در جنگ داخلی روسیه برنده شده بودند. شهر چند سالی آهسته آهسته بزرگ شد، تا این که در سال ۱۹۳۴ دولت استالین طرح بازسازی کلی سوچی را آغاز کرد. جمعیت شهر یک‌باره چند برابر شد و جاده‌ها، سالن‌های تئاتر، هتل‌ها و استراحتگاه‌های تفریحی جدید ظاهری تازه و امروزی به سوچی دادند.

سوچی بزرگ، با حدود ۱۵۰ کیلومتر طول، پس از لس‌آنجلس، دومین مجموعه‌ی اقماری بزرگ دنیاست. خود سوچی در زمینی به طول ۷ کیلومتر، که از رود سوچی تا ماتیستا کشیده شده، قرار گرفته است. خیابان کوژرتنی، که چند بلوک با دریا فاصله دارد، مجموعه‌ی ایستگاه‌های قطار و اتوبوس شمال شرقی شهر، مراکز خرید، بندرگاه‌ها، منطقه‌ی هتل‌ها و نواحی کشاورزی جنوب شرقی شهر را به یکدیگر وصل می‌کند.

سوچی بزرگ شامل چهار ناحیه‌ی رسمی می‌شود: ناحیه‌ی سوچی مرکزی که هسته‌ی اصلی شهر و پیشرفته‌ترین و پرجمعیت‌ترین بخش آن است، ناحیه‌ی لازاروسکو که بزرگ‌ترین ناحیه‌ی شهر است و طولانی‌ترین خط ساحلی را دارد، ناحیه‌ی خُستا که در جنوب شرقی شهر است و دیدنی‌هایی مثل کوه آخون را در خود جای داده است و ناحیه‌ی آدلر که مرکز شبکه‌ی حمل و نقل شهر است و فرودگاه بین‌المللی سوچی، پایانه‌ی قطار آدلر و تنها مرز زمینی باز با آبخازیا در آن قرار گرفته‌اند.

پیشرفته‌ترین، شهری‌ترین و منسجم‌ترین منطقه‌ی سوچی بزرگ هم خط ساحلی بین داگومیز در جنوب شرقی ناحیه‌ی لازاروسکو و منطقه‌ی ایمرتینسکایا در ناحیه‌ی آدلر است. برای خرید در سوچی بهتر است سری به خیابان ناواگینسکایا در سوچی مرکزی بزنید؛ خیابانی که از مهم‌ترین مناطق خرید شهر-

است و مغازه‌هایش همه چیز می‌فروشند.

سوچی بخشی از منطقه‌ی کوچکی از روسیه است که در حوزه‌ی آب و هوای نیمه‌گرم‌سیری قرار می‌گیرد. بر خلاف آب و هوای مدیترانه‌ای، رطوبت هوای سوچی بسیار زیاد است، بنابراین باید خودتان را برای آب و هوایی مرطوب آماده کنید. مقدار بارندگی در سوچی کم نیست، اما حدود ۳۰۰ روز در سال آسمانی آفتابی دارد که در روسیه کم‌نظیر است. به خاطر همین آب و هوا، شاید جز نوامبر، دسامبر و ژانویه، بقیه‌ی ماه‌های سال برای سفر به سوچی حرف نداشته باشند. سوچی امروز استراحتگاه رسمی تابستانی رئیس‌جمهور روسیه است و مقامات شهر هم آن را برای میزبانی المپیک آماده می‌کنند. فرودگاه سوچی، علاوه بر پروازهای بین‌المللی، هر روز پروازهایی به مسکو دارد. تابستان‌ها، به دلیل تعداد زیاد مسافران، پروازهای این فرودگاه را هم بیشتر می‌کنند و می‌توانید از سوچی مستقیم به خیلی از شهرهای روسیه بروید. این فرودگاه را در جریان آماده کردن شهر برای المپیک بازسازی کرده‌اند و بنابراین امکانات رفاهی مناسبی دارد. بسته به فصل، برنامه‌ی پروازها فرق می‌کند، اما ماه‌های مه تا سپتامبر شلوغ‌ترین ماه‌های این فرودگاه هستند.

بر خلاف دیگر شهرهای بزرگ روسیه، سوچی نه تراموا دارد و نه قطار برقی. اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های درون‌شهری سوچی را هم چند شرکت کوچک خصوصی مدیریت می‌کنند. اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها تقریباً فراوان و ارزان هستند و شاید بهترین وسیله برای رفت و آمد در سوچی باشند. خط راه‌آهن ۱۰۵ کیلومتری سوچی بزرگ یکی از سریع‌ترین و راحت‌ترین وسایل رفت و آمد بین نواحی این شهر است. بیشتر قطارهای این خط بین آدلر و توپسه رفت و آمد می‌کنند و زمان و کرایه‌ی آن‌ها هم بسته به مبدا و مقصد متفاوت است.

فصل جشنواره‌های شهر در اواخر ماه مه با جشنواره‌ی شروع می‌شود که هرچند قدیم‌ترها یک جور جشنواره‌ی آبجو بود، اما حالا به یک بازارچه‌ی مواد غذایی تبدیل شده است که در خیابان گُرگُگو برگزار می‌شود. در ژوئن، می‌توانید در جشنواره‌ی فیلم یک هفته‌ای سوچی شرکت کنید که خیلی از ستاره‌های سینمای روسیه و بعضی هنرپیشه‌های غیر روس هم در آن حضور دارند. برای تماشا فیلم‌های جشنواره روی پرده‌ی نمایش فضای باز پارک ریویرا لازم نیست هزینه‌ای بدهید، اما اگر به سینمای زمستانی این پارک بروید، باید بلیت-

تاریخچه

منطقه‌ی سوچی امروزی، چند هزار سالی، خانه‌ی قبایل کوه‌نشین قفقاز بوده و از تمدن‌های یونان باستان، روم، بیزانس، آبخازیا و عثمانی تأثیر گرفته است. هنوز هم یادگارهایی از این تمدن‌ها را می‌توانید در سوچی ببینید؛ چیزهایی مثل لوح‌های سنگی عصر برنز یا معابد قرون وسطایی سبک بیزانسی.

امپراتوری روسیه، در اوایل قرن نوزدهم و بعد از جنگی با امپراتوری عثمانی، بر منطقه‌ی سوچی مسلط شد. چند سال بعد، مقامات روس دژ الکساندریا را در محل سوچی مرکزی امروزی ساختند و دو دژ را هم در منطقه‌ی لازارؤسکوی امروزی. منطقه‌ی اطراف دژ الکساندریا تا اواخر قرن نوزدهم نام‌های مختلفی داشت، تا این که در سال ۱۸۹۶ اسم این منطقه را سوچی گذاشتند که اسم یکی از رودهای محلی بود.

اوایل قرن بیستم، سوچی کم‌کم استراحتگاه و تفرجگاهی مشهور شد؛ در سال ۱۹۰۲ اولین حمام آب معدنی را در این شهر ساختند و در سال ۱۹۰۹ هم استراحتگاه «ریویرای قفقاز» را افتتاح کرده‌اند. انقلاب بلشویکی درست وقتی اتفاق افتاد که سوچی داشت یک شهر تمام‌عیار می‌شد و تازه از طریق راه‌آهن به بقیه‌ی روسیه متصل شده بود، اما اولین قطارهای این خط حدود شش سال بعد راه افتادند، یعنی وقتی که بلشویک‌ها در جنگ داخلی روسیه برنده شده بودند.

شهر چند سالی آهسته آهسته بزرگ می‌شد، تا این که در سال ۱۹۳۴ دولت استالین طرح بازسازی کلی سوچی را آغاز کرد. در ۷ سال، جمعیت شهر از ۱۷۰۰۰ نفر به ۷۲۰۰۰ نفر رسید و جاده‌ها، سالن‌های تئاتر، هتل‌ها و استراحتگاه‌های تفریحی جدید ظاهری تازه و امروزی به سوچی دادند. در سال ۱۹۶۱، دولت تصمیم گرفت شهرک‌های اطراف سوچی را با این شهر یکی کند و این‌طور بود که سوچی بزرگی که امروز می‌بینیم متولد شد.

بعد از فروپاشی شوروی، سوچی به جای کریمه که حالا جزئی از اوکراین شده بود استراحتگاه تابستانی رئیس‌جمهور روسیه شد. در سال ۲۰۰۷ هم سوچی را به عنوان شهر میزبان المپیک ۲۰۱۴ انتخاب کردند و ساخت و ساز جاده‌های تازه، فرودگاه‌ها و بندرگاه‌های تازه، مراکز ورزشی و ساختمان‌های تجاری و مسکونی لازم برای برگزاری المپیک چهره‌ی شهر را کاملاً تغییر داده است.

بخرید. جشنواره‌های سوچی در اواخر سپتامبر با نمایش مد و لووت سیزن به پایان می‌رسند؛ جشنواره‌ای یک هفته‌ای که برترین‌های صنعت مد را به سوچی می‌کشد.

چند توصیه:

۱. مثل بقیه‌ی شهرهای روسیه، در سوچی هم تنها واحد پول معتبر روبل است. تبدیل ارز خیلی سخت نیست، اما فقط سراغ گیشه‌های صرافی بانک‌ها بروید و خودتان را گرفتار صراف‌هایی که توی ایستگاه‌های ترابری می‌بینید نکنید. یادتان باشد که برای تبدیل ارز باید پاسپورت همراهتان باشد.

۲. در بعضی نقاط سوچی، مثل فرودگاه بین‌المللی سوچی، فست‌فود مرکزی مک دونالد در شماره‌ی ۱۷ خیابان کوژتنی، شعبه‌ی مرکزی رستوران آنتیکوار در شماره‌ی ۲۷ خیابان آستژوشنگو و بسیاری از رستوران‌ها و کافه‌ها، می‌توانید از اینترنت رایگان وای‌فای استفاده کنید.

۳. بهار سوچی کوتاه است و با این که این فصل در سوچی کم‌باران است، اما آب دریا هنوز سرد است و برای شنا مناسب نیست. در عوض تابستان‌های سوچی برای شنا کردن حرف ندارند و معمولا از اواسط مه تا آخر اکتبر طول می‌کشد. ژوئیه و اوت شلوغ‌ترین ماه‌های شهر هستند و توریست‌ها از داخل و خارج روسیه به شهر می‌آیند. در سپتامبر و اکتبر، شهر گردشگران کمتری دارد که البته یکی از دلایلش هم باز شدن مدرسه‌هاست. این دو ماه، درست وقتی که آب دریای سیاه هنوز گرم است، هوا داغ نیست و خیابان‌ها پر از هیاهوی توریست‌ها نیستند، احتمالا بهترین زمان برای سفر به سوچی هستند.

۴. در سوچی کافی است در خیابان بایستید و دست تکان دهید تا تاکسی و مسافرکش جلوی پایتان ترمز کنند. اهالی شهر مسافرکش‌ها را ترجیح می‌دهند، چون سریع‌تر و ارزان‌تر هستند، اما راستش را بخواهید این روش خیلی ایمن نیست و ماشین‌های مسافرکش هم معمولا حال و روز خوبی ندارند.

۵. کم پیش می‌آید راننده‌ای پیدا کنید که انگلیسی بلد باشد، بنابراین بهتر است برای گرفتن تاکسی از مترجم، مثلا کارکنان پذیرش هتل، استفاده کنید تا به دردتس نیفتید. این جا هم تاکسی‌ران‌ها کمتر از تاکسی‌متر استفاده می‌کنند و میزان کرایه را خود راننده‌ها تعیین می‌کنند.

۶. با این که گاهی گزارش‌هایی از کلاهبرداری توی استراحتگاه‌های سوچی منتشر می‌شوند، اما امتیاز شما این است که این جور خلاف‌کارها معمولا انگلیسی نمی‌دانند و احتمالا از شرشان در امان خواهید بود. با این حال، سعی کنید با آدم‌هایی که درست نمی‌شناسیدشان زیاد گرم نگیرید و خودمانی نشوید.

۷. نکته‌ی آخر هم این که اگر تابستان به سوچی می‌روید، لباس مناسب، کرم ضدآفتاب و عینک آفتابی همراهتان باشد تا زیر آفتاب داغ سوچی آفتاب‌سوخته نشوید.

دیدنی‌ها:

- اقامتگاه تابستانی استالین - قلعه‌ی گدیک - موزه‌ی هنر سوچی - موزه‌ی تاریخ سوچی - پارک ریویرا - آکواریم وُرد دیسکاور - مرکز مراقبت از میمون‌ها - غارهای وُرتسُوکا - ۳۳ آبشار



حمل و نقل

برای رفت و آمد بین شهر و فرودگاه می‌توانید از اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های خط ۵۱ (فرودگاه بازار مرکزی ادلر)، ۱۰۵ (فرودگاه ایستگاه مرکزی قطار سوچی) و ۱۳۵ (فرودگاه کراسنایا پُلینا) استفاده کنید. همچنین خط راه‌آهن تازه‌تأسیس فرودگاهی هم فرودگاه سوچی را به نواحی ادلر و سوچی مرکزی و همچنین کراسنایا پلینا متصل می‌کند.

اگر تاکسی را ترجیح می‌دهید، بد نیست بدانید که تاکسی‌های فرودگاه سوچی بی‌نظم هستند، راننده‌ها انگلیسی نمی‌دانند و قیمت‌ها هم بی‌حساب و کتاب هستند. کرایه‌ی تاکسی‌ها، بسته به ناحیه‌ی مقصد، متفاوت است و برای رسیدن به نواحی دور سوچی بزرگ، مثل لازاروسکو، گاهی باید ۴۰۰۰ روبل بپردازید. برای این که خیالتان راحت باشد، بهتر است قبل از رسیدن تاکسی یا خدمات رفت و آمد هتل را رزرو کنید.

بر خلاف دیگر شهرهای بزرگ روسیه، سوچی نه تراموا دارد و نه قطار برقی. اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های درون‌شهری سوچی را هم چند شرکت کوچک خصوصی مدیریت می‌کنند. اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها تقریباً فراوان و ارزان هستند و شاید بهترین وسیله برای رفت و آمد در سوچی باشند. اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های خط یک تا ۹۹ سوچی کرایه‌ی ثابت (۹ روبل) دارند، اما در خطوط ۱۰۰ به بالا، کرایه بسته به طول مسیر مسافر تغییر می‌کند.

خط راه‌آهن ۱۰۵ کیلومتری سوچی بزرگ یکی از سریع‌ترین و راحت‌ترین وسایل رفت و آمد بین نواحی این شهر است. بیشتر قطارهای این خط بین ادلر و توآپسه رفت و آمد می‌کنند و زمان و کرایه‌ی آن‌ها هم بسته به مقصد متفاوت است.

این‌جا هم، مثل بقیه‌ی روسیه، کافی است در خیابان بایستید و دست تکان دهید تا تاکسی و مسافرکش جلوی پایتان ترمز کنند. اهالی شهر مسافرکش‌ها را ترجیح می‌دهند، چون سریع‌تر و ارزان‌تر هستند، اما راستش را بخواهید این روش خیلی ایمن نیست و ماشین‌های مسافرکش هم معمولاً حال و روز خوبی ندارند. در سوچی، کم پیش می‌آید راننده‌ای پیدا کنید که انگلیسی بلد باشد، بنابراین بهتر است برای گرفتن تاکسی از مترجم، مثلاً کارکنان پذیرش هتل، استفاده کنید تا به دردتان نینفید. این‌جا هم تاکسی‌ران‌ها کمتر از تاکسی‌متر استفاده می‌کنند و میزان کرایه را خود راننده‌ها تعیین می‌کنند.

آب و هوا

سوچی بخشی از منطقه‌ی کوچکی از روسیه است که در حوزه‌ی آب و هوای نیمه‌گرم‌سیری قرار می‌گیرد. بر خلاف آب و هوای مدیترانه‌ای، رطوبت هوای سوچی بسیار زیاد است، بنابراین باید خودتان را برای آب و هوایی مرطوب آماده کنید. مقدار بارندگی در سوچی کم نیست، اما حدود ۳۰۰ روز در سال آسمانی آفتابی دارد که در روسیه کم‌نظیر است. به خاطر همین آب و هوا، شاید جزنوامبر، دسامبر و ژانویه، بقیه‌ی ماه‌های سال برای سفر به سوچی حرف نداشته باشند. سوچی در زمستان بیشترین بارش را دارد و گاهی هم در این شهر برف می‌بارد، اما معمولاً در بخش ساحلی شهر زمین از برف سفید نمی‌شود. البته آب و هوای نواحی کوهستانی سوچی بزرگ خیلی سردتر است و زمستان‌ها (معمولاً در فوریه و مارس) می‌توانید حسایی اسکی کنید.

بهار سوچی کوتاه است و معمولاً با شکوفه دادن درختان در ماه مارس شروع می‌شود. با این که این فصل در سوچی کم‌باران است، اما آب دریا هنوز سرد است و برای شنا مناسب نیست. در عوض تابستان‌های سوچی برای شنا کردن حرف ندارند و معمولاً از اواسط مه تا آخر اکتبر طول می‌کشند. ژوئیه و اوت شلوغ‌ترین ماه‌های شهر هستند و توریست‌ها از داخل و خارج روسیه به شهر می‌آیند. در سپتامبر و اکتبر، شهرگردشگران کمتری دارد که البته یکی از دلایلش هم باز شدن مدرسه‌هاست. این دو ماه، درست وقتی که آب دریای سیاه هنوز گرم است، هوا داغ نیست و خیابان‌ها پر از هیاهوی توریست‌ها نیستند، احتمالاً بهترین زمان برای سفر به سوچی هستند.

پاییز در اواخر اکتبر سراغ سوچی می‌آید؛ زمانی که هوا هنوز گرم است، اما ابر و باران هم بیشتر می‌شوند، اما در نوامبر دیگر از این هوای گرم خبری نیست و دمای هوا به ۱۰ درجه‌ی سانتی‌گراد می‌رسد.

مراکز خرید

- الکساندریا

یک مرکز خرید ۵ طبقه که آن را در محل بازار سنتی شهر ساخته‌اند و یک برج اداری هم دارد. این‌جا درست در مرکز سوچی قرار گرفته است.

- ملودیا

یک مرکز خرید متوسط در خیابان مرکزی سوچی.

- شرمال

از بزرگ‌ترین و جدیدترین مراکز خرید شهر که بهترین و معروف‌ترین برندهای روسیه و جهان را در مغازه‌ها و بوتیک‌هایش می‌بینید. این مرکز حدود ۳۰ رستوران با غذاهای متنوع و سینمایی با چند سالن نمایش هم دارد.

- نئی وک

مرکز خریدی متوسط در مرکز ناحیه‌ی ادلر با بیش از ۱۰۰ مغازه، رستوران و سوپرمارکت.

- خیابان ناواگینسکایا

این خیابان در سوچی مرکزی قرار گرفته است و از مهم‌ترین مناطق خرید شهر به شمار می‌رود. مغازه‌های خیابان ناواگینسکایا همه چیز می‌فروشند، از سوغاتی و لباس گرفته تا غذا و قطعات یدکی دوربین عکاسی. دمای هوا به ۱۰ درجه‌ی سانتی‌گراد می‌رسد.

جشنواره‌ها و رویدادها

فصل جشنواره‌های شهر در اواخر ماه مه با جشنواره‌ای شروع می‌شود که هرچند قدیم‌ترها یک جور جشنواره‌ی آبجو بود، اما حالا به یک بازارچه‌ی مواد غذایی تبدیل شده است که در خیابان گرگکو برگزار می‌شود.

در ژوئن، می‌توانید در جشنواره‌ی فیلم یک هفته‌ای سوچی شرکت کنید که خیلی از ستاره‌های سینمای روسیه و بعضی هنرپیشه‌های غیر روس هم در آن حضور دارند. برای تماشای فیلم‌های جشنواره روی پرده‌ی نمایش فضای باز پارک ریویرا لازم نیست هزینه‌ای بدهید، اما اگر به سینمای زمستانی این پارک بروید، باید بلیت بخرید.

جشنواره‌های سوچی در اواخر سپتامبر با نمایش مد و لوت سیزن به پایان می‌رسد، جشنواره‌ای یک هفته‌ای که برترین‌های صنعت مد را به سوچی می‌کشد.



جاذبه های تفریحی و گردشگری سوچی

- اقامتگاه تابستانی استالین

این ملک را بلشویک ها پس از انقلاب اکتبر از یک تاجر مصادره کردند و بعدتر، در دوره ی استالین، این جا به اقامتگاه تابستانی او تبدیل شد. استالین خیلی وقت ها به این ویلا می آمد و با بسیاری از سیاستمداران بزرگ دنیا، مثل مائو، این جا دیدار کرد. موزه ی این اقامتگاه مجموعه ی بزرگی از وسایل شخصی استالین و همچنین مجسمه ی مومی او را نمایش می دهد و محلی ها می گویند شبخ استالین هنوز هم شب ها دور و بر ویلا پرسه می زند.

- قلعه ی گدیک

این جا بقایای یک قلعه ی مثلثی شکلی بیزانسی است که آن را در قرن های چهارم و پنجم میلادی ساخته اند. با وجود شرایط نامطلوب قلعه، هنوز آثاری از برج ها و دیوارهای سنگ آهکی را می شود این جا ببینید.

- موزه ی هنر سوچی

این موزه در یکی از زیباترین ساختمان های سوچی قرار گرفته است که عمرش به سال ۱۹۳۶ برمی گردد. مجموعه ی آثار هنری این موزه بزرگ ترین مجموعه ی هنری ساحل دریای سیاه است و بیش از ۵۰۰۰ اثر هنری از دوره ها و سبک های مختلف را در آن می بینید.

- موزه ی تاریخ سوچی

این جا یکی از قدیمی ترین دیدنی های فرهنگی شهر است که از سال ۱۹۲۰ مشغول کار است. در این موزه می توانید با تاریخ سوچی، آثار باستانی، طبیعت و آدم های مشهور این شهر آشنا شوید.

- پارک ریوپرا

ریوپرا معروف ترین و بزرگ ترین پارک عمومی سوچی بزرگ است که عمرش به ۱۸۹۸ برمی گردد، اما آن را بازسازی هم کرده اند. هر فصلی که به سوچی بروید، بد نیست سری هم به این پارک بزنید. این جا چند رستوران، مجموعه ی ورزشی و مرکز تفریحی و یک سینما دارد و در سالن تئاتر پارک هم کنسرت ها و جشنواره های متنوعی برگزار می کنند.

- مرکز مراقبت از میمون ها

مؤسسه ی تحقیقات دارویی آکادمی علوم پزشکی روسیه مالک این مرکز است و این جا میمون ها را برای بسیاری از آزمایش های علمی، مثل سفر به فضا، آماده می کنند. میمون های این مرکز آموزش های خاصی را می گذرانند تا برای شرایط ویژه ی آزمایش ها آمادگی داشته باشند. حدود ۲۷۰۰ میمون از ۱۱ گونه ی مختلف در این مرکز زندگی می کنند.

- آکواریوم وُرد دیسکاوری

این جا بزرگ ترین آکواریوم اقیانوسی روسیه و یکی از بزرگ ترین آکواریوم های اقیانوسی اروپاست. گونه های متنوع گیاهان و جانوران دریایی را می توانید در این آکواریوم ببینید.

- غارهای وُرنِتسوکا

بخش کوهستانی سوچی بزرگ بیش از ۴۰۰ غار دارد که معروف ترینشان مجموعه ی غارهای روستای ورنِتسوکا در ناحیه ی خُستاست. این مجموعه سه بخش متصل با ۱۱ کیلومتر طول و ارتفاع هایی متفاوت دارد و از بزرگ ترین مجموعه های غاری قفقاز به شمار می رود.

- ۳۳ آبشار

سوچی بزرگ چند منطقه ی آبشاری دارد. منطقه ی ۳۳ آبشار هرچند کمی دور است، اما آبشارهایی بسیار زیبا دارد که به زحمَت طی مسیر می ارزند. بهترین فصل برای دیدن این آبشارها بهار است، وقتی باران و برف آب شده ی کوه ها آبشارها را پر آب می کنند.

غذا

- پاتسَخا

رستورانی عالی با غذاهای مفصل و خوشمزه که ماهی های خاویارش را پیش چشم مشتری ها از حوضچه ی خود رستوران صید می کنند. البته موقع سفارش دادن باید حواستان به صورت حساب هم باشد. (سبک غذا: گرجی)

- هوم کیچن

این غذاخوری ساده ی نزدیک بندرگاه دو بخش اصلی دارد که یکی از آن ها برای خوردن یک وعده غذای خوشمزه با دوستان در فضایی خودمانی عالی است و دیگری برای سریع غذا خوردن در روزهای شلوغ کاری. سالاد یونانی این جا را هم از دست ندهید.

- پائِنا ماما

این رستوران ژاپنی یک حسن بزرگ دارد: منوی مصوّرش کمک می کند که حتی اگر زبان روسی نمی دانید، بتوانید غذای دل خواهتان را از روی عکس سفارش دهید. (سبک غذا: ژاپنی)

- لا پیزِریا

این رستوران حال و هوای یک خانه ی روستایی ایتالیایی را دارد و به ساحل هم نزدیک است. منوی انگلیسی لا پیزِریا شامل انواع پیتزاها و پاستاها می شود و پیتزای ماهی سالمونش هم نظیر ندارد، هرچند بهتر است سائز کوچکش را سفارش دهید چون پیتزاهای بزرگ لا پیزِریا واقعا بزرگ هستند. (سبک غذا: ایتالیایی)

مجری مستقیم روسیه کافیت با ما
تماس بگیرید با لبخند پاسخگوی شما
هستیم

۰۵۱۳۷۲۳۷۸۰۰

۰۹۱۵۷۲۳۷۸۰۰



تماس با
آژانس ارمغان آفاق ایرانیان

05137237800

05137268701

09157237800

آدرس : مشهد - بلوار سازمان آب ، خیابان اسفندیانی ، نبش اسفندیانی ۳ پلاک ۲۰۱

WWW.ARMAGHANTRAVEL.COM